



انتشار: عمومی
۳۰ آگست ۲۰۲۴
نسخه اصلی: انگلیسی

نشست هفتادونهم

بند ۷۱ (ب) آجدای مؤقت*

ترویج حقوق بشر و حمایت از آن:

مسائل مربوط به حقوق بشر، از جمله

رویکردهای بدیل برای بهبود بهره‌مندی

مؤثر از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.

وضعیت حقوق بشر در افغانستان

یادداشت دبیرکل[†]

دبیرکل افتخار دارد که گزارش ریچارد بنت، گزارشگر ویژه‌ی وضعیت حقوق بشر در افغانستان را مطابق قطع‌نامه‌ی 54/1 شورای حقوق بشر به مجمع عمومی ارسال می‌کند.

* A/79/150.

[†] این گزارش، به دلایل خارج از کنترل دفتر ارائه‌کننده، بعد از پایان مهلت مقرر برای بررسی فرستاده شد.

گزارش ریچارد بنت،

گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در افغانستان

خلاصه

این گزارش ریچارد بنت، گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در افغانستان بر اساس گزارش‌های قبلی او تهیه شده و بر تحولات بین جنوری تا اگست ۲۰۲۴ متمرکز است.

I. مقدمه

۱. سه سال پس از تصرف قدرت توسط طالبان، مردم افغانستان همچنان از بحران عمیق و روبه‌رشد حقوق بشری، انسانی و سیاسی رنج می‌برند. مقامات بالفعل در این کشور، سیستم نهادی‌شده‌ی ستم جنسیتی و حذف زنان و دختران را بیشتر از پیش تثبیت و تشدید کرده‌اند، جامعه‌ی مدنی و رسانه‌ها را سرکوب کرده‌اند و اصول عدالت، عدم تبعیض، برابری و حاکمیت قانون را نادیده گرفته‌اند.
۲. با وجود این، مردم افغانستان همچنان شجاعت و اراده‌ی عظیم از خود نشان می‌دهند. گزارشگر ویژه با دختران و زنان جوانی در افغانستان که برای دسترسی به آموزش در برابر طالبان ایستادگی می‌کنند، با خبرنگارانی که با به خطر انداختن ایمنی و امنیت‌شان در زمینه‌ی نقض حقوق بشر گزارش تهیه می‌کنند، با مدافعان حقوق زنان که خشونت‌های جنسی و جنسیتی را مستندسازی می‌کنند، و با دست‌اندرکاران فعالیت‌های بشردوستانه‌ای که علی‌رغم کاهش کمک‌های بین‌المللی، همچنان به‌صورت خستگی‌ناپذیر به ارائه‌ی کمک‌ها می‌پردازند، صحبت کرده است. شجاعت و پایمردی آن‌ها باید مورد حمایت، همبستگی و پشتیبانی بیشتر قرار گیرد.
۳. همان‌گونه که در گزارش‌های پیشین اشاره شده است، افغانستان به‌عنوان یکی از طرف‌های معاهدات کلیدی بین‌المللی حقوق بشر، به تعهدات مشخصی متعهد شده است. مقامات بالفعل بر کشور کنترل مؤثر دارند و بنابراین، صرف‌نظر از این‌که تعبیر رسمی دولت به‌رسمیت شناخته شده است یا خیر، مسئول اجرای این تعهدات‌اند. گزارشگر ویژه به مقامات بالفعل یادآوری می‌کند که پایبندی به این تعهدات نه‌تنها متضمن خودداری از نقض حقوق بشر است، بلکه مستلزم ایجاد محیطی است که در آن حقوق بشر محترم شمرده شود. ایجاد چنین محیطی شامل تأسیس و حفظ نهادها، قوانین و سیاست‌هایی است که حاکمیت قانون را تضمین و پاسخ‌گویی را ترویج می‌کند.
۴. تحولات مثبت نیز وجود دارد. از زمان به‌قدرت‌رسیدن طالبان، درگیری‌ها به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است که این امر منجر به افزایش دسترسی مردم به کمک‌های بشردوستانه و سایر خدمات، به‌ویژه در مناطق دورافتاده و روستایی شده است. همچنین، افغانستان تحت حاکمیت طالبان شاهد کاهش چشمگیر فساد بوده است، زیرا مقامات بالفعل اقدامات سختگیرانه‌ی ضد رشوه‌خواری را برقرار و اجرا کرده‌اند. علاوه‌براین، تولید مواد مخدر به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای کاهش یافته است، زیرا طالبان ممنوعیت‌شان بر کشت و پروسس تریاک را به‌شدت اعمال کرده‌اند. با این حال، این تلاش‌ها در راستای محو مواد مخدر به‌طور نامطلوبی بر دهقانان و کارگران مزارع تأثیر گذاشته است، چون آن‌ها به گزینه‌های معیشتی بدیل دسترسی ندارند.
۵. با این حال، این پیشرفت‌های اندک، در اثر نابودی مستمر حقوق زنان و دختران، سرکوب جامعه‌ی مدنی و تبعیض علیه جوامع اقلیت و به‌حاشیه‌رانده‌شده از سوی طالبان که خلاف الزامات و تعهدات بین‌المللی افغانستان است، به‌طور قابل‌توجهی تضعیف شده است. هر گونه مسیر پیش‌رو برای این کشور باید با رویکردی اصولی، فراگیر و هماهنگ، حقوق بشر را در بر گیرد و شامل بهبودهای قابل مشاهده، قابل اندازه‌گیری و مستقلانه قابل تأیید باشد.

II. شیوه‌های کاری

۶. گزارش حاضر، که مطابق قطع‌نامه‌ی 54/1 شورای حقوق بشر ارائه شده است، به بررسی فشرده‌ی تحولات حقوق بشری در افغانستان می‌پردازد و بر تحولات بین جنوری تا آگست ۲۰۲۴ تمرکز دارد. این گزارش بر اساس گزارش قبلی گزارشگر ویژه که به مجمع عمومی در هفتاد و هشتمین نشست آن ارائه شده بود (A/78/338)، و همچنین گزارش‌های الزامی او به شورا درباره‌ی وضعیت حقوق بشر در افغانستان (A/HRC/55/80) و درباره‌ی پدیده‌ی نظام نهادینه‌شده‌ی تبعیض، جداسازی، بی‌حرمتی به کرامت انسانی و حذف زنان و دختران (A/HRC/56/25) تهیه شده است.
۷. گزارشگر ویژه در اجرای مأموریت‌اش به ارتباط با نمایندگان مقامات بالفعل ادامه داده است. این ارتباط شامل شریک‌سازی پیش‌نویس گزارش‌ها و بیانیه‌ها، ارسال اظهارنامه‌ها در پیوند به پرونده‌های انفرادی و درخواست اطلاعات مربوط به حقوق بشر می‌شود. گزارشگر ویژه ابراز تأسف می‌کند که مقامات بالفعل افغانستان اعلام کرده‌اند که به او ویژه‌ی ورود به افغانستان داده نخواهد شد و از آن‌ها می‌خواهد که در این تصمیم‌شان تجدیدنظر کنند. او خاطرنشان می‌کند که قطع‌نامه‌های متوالی از همه طرف‌های مربوطه می‌خواهند تا با گزارشگر ویژه به‌طور کامل همکاری کنند. منع ورود گزارشگر ویژه به کشور به نفع مردم افغانستان نیست و به مقامات بالفعل در ایجاد تعامل با جامعه‌ی جهانی نیز کمکی نمی‌کند.
۸. گرچه گزارشگر ویژه در طول دوره‌ی گزارش‌دهی از کشور بازدید نداشت، عمیقاً با طیف وسیعی از ذی‌نفعان، هم به‌صورت حضوری و هم به‌طور آنلاین، در داخل و خارج از افغانستان در ارتباط بوده است؛ از جمله با قربانیان، شاهدان و مدافعان حقوق بشر (از جمله بسیاری از زنان)، نمایندگان سازمان‌های ملی و بین‌المللی، خبرنگاران، دیپلمات‌ها، دانشگاهیان و غیره. گزارشگر ویژه همچنین با سایر کارشناسان سازمان ملل، از جمله مأموریت‌داران رویه‌های ویژه، و آژانس‌های سازمان ملل همکاری نزدیکی دارد. از زمان آخرین گزارش‌اش به مجمع عمومی، او به قطر و ترکیه سفرهای رسمی داشته است و همچنین با افغان‌ها در بسیاری از کشورهای دیگر ملاقات کرده است. گزارشگر ویژه از حمایت و همکاری دولت‌های این کشورها صمیمانه قدردانی می‌کند.
۹. بحران نقدینگی جاری سازمان ملل بر توانایی گزارشگر ویژه در انجام کامل وظایف‌اش تأثیر گذاشته است. پست‌های کلیدی خالی مانده‌اند و تأخیر در تخصیص بودجه برنامه‌های سفر و فعالیت‌های مستندسازی را متأثر ساخته است.
۱۰. گزارشگر ویژه همچنان با نهایت احترام به اصول استقلال، بی‌طرفی و دقت وظایف‌اش را انجام می‌دهد. این امر شامل رعایت بهترین رویه‌های بین‌المللی در مستندسازی و راستی‌آزمایی اطلاعات، به‌ویژه دستورالعمل‌ها و روش‌های تدوین‌شده توسط دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد است. اطلاعاتی که ممکن است منجر به شناسایی هویت افراد شود، در این گزارش حذف شده است. گزارشگر ویژه به‌عنوان بخشی از مأموریت خود برای مستندسازی و حفظ اطلاعات مربوط به نقض حقوق بشر و بدرفتاری‌ها، یک مخزن دیجیتالی امن را راه‌اندازی کرده است.

III. وضعیت حقوق بشری گروه‌های مورد توجه ویژه

الف. زنان و دختران

۱۱. طالبان همچنان به تحمیل و اجرای یک نظام نهادینه‌شده‌ی تبعیض جنسیتی، سرکوب، بی‌حرمتی به کرامت انسانی و محروم‌سازی زنان و دختران ادامه می‌دهند که نقض تعهدات بین‌المللی افغانستان است. قوانین بین‌المللی ایجاب می‌کند که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی صرف‌نظر از نوع نظام اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی، ترویج و محافظت شوند.
۱۲. همان‌گونه که در گزارش‌های قبلی گزارشگر ویژه تأکید شده است، طالبان مجموعه‌ای از فرامین، قوانین و سیاست‌هایی را تحمیل کرده‌اند که تقریباً تمام جنبه‌های زندگی زنان و دختران را محدود می‌کند و مانع از این می‌شود که آن‌ها از حقوق اساسی‌شان، از جمله حق آزادی رفت‌وآمد، آموزش، کار، خدمات صحتی، آزادی بیان و دسترسی به عدالت بهره‌مند شوند. درحالی‌که زنان و دختران بیشترین لطمه را از این سیاست‌های سرکوب‌گر می‌بینند، افغان‌ها فارغ از جنسیت‌شان از حقوق‌شان محروم شده‌اند که این مسأله باعث آسیب‌های شدید و درازمدت خواهد شد.
۱۳. اقدامات تبعیض‌آمیز جدید طالبان علیه زنان و دختران، فرامین اعلام‌شده‌ی قبلی‌شان را بیش از پیش تثبیت و تحکیم می‌کنند. در ماه جولای، هیت‌الله آخندزاده، رهبر طالبان، قانون امر به معروف و نهی از منکر را تأیید کرد که آزار و اذیت زنان از سوی طالبان را رسمی‌تر و نهادینه‌تر می‌کند. این قانون محدودیت‌های اعمال‌شده‌ی قبلی، از جمله الزام محرم، قوانین مربوط به پوشش اجباری و جداسازی زنان و مردان در فضاهای عمومی را نهادینه‌تر می‌کند. سایر مفاد این قانون، کنترل طالبان بر زندگی، بدن و رفتار زنان و دختران را بیشتر تثبیت می‌کند. زنان ممکن است به‌خاطر آوازخواندن و یا صحبت‌کردن در خارج از خانه‌های‌شان مجازات شوند، درحالی‌که به زنان مسلمان دستور داده شده است تا در مقابل زنان «غیرمؤمن» خود را بیوشانند. زنان و مردان بالغی که نسبتی با هم ندارند، از نگاه‌کردن به بدن و چهره‌ی همدیگر منع شده‌اند (برای معلومات بیشتر درباره‌ی این قانون، به بخش IV، الف همین گزارش مراجعه کنید).
۱۴. علاوه بر صدور قوانین و فرامین جدید، مقامات بالفعل به اجرای نظام تبعیض و ستم جنسیتی‌شان، از جمله از طریق حمله به کسانی که در برابر این قوانین مقاومت می‌کنند، از طریق بازداشت و حبس آن‌ها و وادارکردن مردان و پسران به همکاری از طریق نظارت مخفی و خشونت فیزیکی، ادامه می‌دهند. در ماه جنوری، مقامات بالفعل ده‌ها زن و دختر را به اتهام نقض قوانین پوشش طالبان بازداشت و با آن‌ها بدرفتاری کردند. مردان، پسران و افرادی دارای هویت‌های جنسیتی دگرسان نیز به‌دلیل عدم رعایت این قوانین پوشش، بازداشت و با بدرفتاری مواجه می‌شوند.
۱۵. افزایش محدودیت‌ها بر حقوق زنان و دختران، تأثیر عمیق و فزاینده‌ای بر سلامت جسمی و روحی آن‌ها می‌گذارد. زنان و دختران افغان، حتی درحالی‌که تلاش می‌کنند مقاومت کنند، از احساس استرس، انزوا و اضطراب سخن می‌گویند. گزارش‌هایی روزافزون از افسردگی، خودکشی و افکار خودکشی در میان زنان و دختران به گوش می‌رسد.

۱۶. گزارشگر ویژه بیش از پیش نگران تأثیرات درازمدت سیاست‌ها و عملکردهای طالبان است؛ نه تنها بر زنان و دختران، بلکه همچنین بر پسران، مردان و افرادی دارای هویت‌های جنسیتی دگرسان. اگر این وضعیت کنترل نشود، نسل‌های جدید در جامعه‌ای رشد خواهند کرد که انسانیت‌زدایی از زنان و دختران و مطیع‌سازی آن‌ها را عادی‌سازی می‌کند که به نوبه‌ی خود منجر به آسیب‌ها و تلقین‌های فکری میان‌نسلی می‌شود. یک زن افغان هشدار داد: «ما باید با این ذهنیت که می‌گویند لازم نیست زنان و دختران به مکتب بروند، نباید کار کنند یا از حقوقی برخوردار باشند، مقابله کنیم. این ذهنیت نباید عادی‌سازی شود».
۱۷. گزارشگر ویژه پیش از این نیز هشدار داده است که نهادینه‌شدن ستم جنسیتی و انسانیت‌زدایی از زنان و دختران احتمالاً باعث شکل‌گیری یک ایدئولوژی خطرناک در میان نسل‌های جدید در افغانستان، به‌ویژه در میان پسران و مردان جوان، خواهد شد که ممکن است در آینده به خطرات امنیتی در منطقه و فراتر از آن منجر شود.
۱۸. گزارشگر ویژه به این نتیجه رسیده است که نظام نهادینه‌شده‌ی تبعیض، جداسازی، بی‌احترامی به کرامت انسانی و حذف توسط طالبان فراگیر و روشمند است و از طریق فرامین، سیاست‌ها و اجبار اعمال می‌شود. او همچنین نتیجه‌گیری کرده است که این نظام سرکوب جنسیتی ممکن است مصداق جنایت علیه بشریت، از جمله آزار و اذیت جنسیتی باشد.
۱۹. افغان‌ها، به‌ویژه زنانی که با گزارشگر ویژه ملاقات می‌کنند، پیوسته تأکید می‌کنند که اصطلاح «آپارتاید جنسیتی»، کلیت آسیب‌های مشهود و میان‌نسلی را که بر آن‌ها تحمیل شده است، به دقیق‌ترین شکل ممکن توصیف می‌کند. گزارشگر ویژه نیز معتقد است که اصطلاح «آپارتاید جنسیتی» بیان مختصر ماهیت نهادی و ایدئولوژیک بدرفتاری‌های طالبان است. او باور دارد که وضعیت افغانستان باید مباحث را به سمت تعریف آپارتاید جنسیتی به‌عنوان جنایت علیه بشریت، به‌گونه‌ای که همه‌ی جنسیت‌ها را شامل شود، هدایت کند.
۲۰. نظام چندلایه و نهادینه‌شده‌ی ستم و تبعیض جنسیتی طالبان نیازمند اقدام قوی و مؤثر بین‌المللی است. گزارشگر ویژه خواستار اتخاذ «رویکرد استفاده از تمام ابزارها» شده است؛ رویکردی که پاسخ‌گویی و افزایش مستندسازی را با حمایت، مشارکت و حفاظت از مردم افغانستان، به‌ویژه زنان، دختران، مدافعان حقوق بشر و اقلیت‌های قومی و مذهبی، همراه با مشوق‌هایی برای بهبود وضعیت، تلفیق می‌کند. او خواستار تلاش‌هایی برای شناسایی و تقویت راهکارهایی است که فرایندهای عدالت نجات‌یافته‌محور را پیش ببرند و افغانستان را به‌خاطر نقض تعهدات بین‌المللی‌اش پاسخ‌گو کنند.

خشونت‌های جنسی و جنسیتی

۲۱. گزارشگر ویژه از گزارش‌های متعدد درباره‌ی خشونت‌های جنسی علیه زنان در بازداشت، به‌شدت ناراحت و نگران است. او خشونت‌های جنسی اعمال‌شده علیه زنان در جریان تهاجم ماه جنوری ۲۰۲۴ طالبان بر زنانی که حجاب «نامناسب» یا «نادرست» داشتند، مستند کرده است. نجات‌یافتگان این خشونت‌ها گفته‌اند که آن‌ها ابتدا به حوزه‌های امنیتی منتقل شده و در آن‌جا مورد ضرب و شتم، توهین لفظی، و در برخی موارد، مورد

تعرض جنسی قرار گرفته‌اند. یکی از نجات‌یافتگان چنین یاد کرده است: «آن‌ها درحالی‌که از من سؤال می‌پرسیدند، مرا کتک می‌زدند و سرم را به دیوار می‌کوبیدند... یکی از آن‌ها حجابم را پاره کرد و بعد به نقاط خصوصی بدنم دست زد».

۲۲. معلومات به‌دست‌آمده از منابع معتبر دیگر نیز نشان می‌دهد که زنان در جریان این تهاجم مورد تجاوز یا آزار جنسی قرار گرفته‌اند. برخی از بازداشت‌شدگان سابق به گزارشگر ویژه گفته‌اند که با وجود این‌که آن‌ها در دوران بازداشت خشونت جنسی را تجربه نکرده‌اند، همچنان در خانواده‌ها و اجتماعات‌شان از انگ اجتماعی و طردشدگی رنج می‌برند، زیرا اطرافیان‌شان باور نمی‌کنند که آن‌ها در بازداشت طالبان مورد تعرض قرار نگرفته باشند.

۲۳. فرهنگ سکوتی که پیرامون تجاوز و سایر جرایم خشونت جنسی وجود دارد و از کلیشه‌های زیان‌بار جنسیتی، انگ اجتماعی و به‌ویژه کلیشه‌ی سرزنش قربانی ناشی می‌شود، به این معنا است که به احتمال زیاد، بسیاری از موارد خشونت‌های جنسی گزارش داده نمی‌شوند. محدودیت‌هایی که بر رفت‌وآمد زنان اعمال شده‌اند، نیز به این معناست نجات‌یافتگان خشونت‌های جنسی برای دسترسی به خدمات صحی، روان‌شناختی و صحت باروری با مشکلات زیادی مواجه‌اند.

۲۴. گزارشگر ویژه عمیقاً نگران سطح بالای خشونت علیه زنان و دختران است، از جمله خشونت‌های خانوادگی یا خشونت‌هایی که از سوی شریک‌های عاطفی انجام می‌شوند. سطح بالای خشونت‌های مبتنی بر جنسیت در دوران جمهوریت نیز وجود داشت، اما در دوران طالبان بدتر شده و با عملکردهای تبعیض‌آمیزی که کنترل مردان بر زنان را تأیید و تقویت می‌کند، کاهش خودمختاری زنان -از جمله استقلال اقتصادی‌شان- و منحل‌شدن مکانیسم‌های حیاتی قانونی، حفاظتی و حمایتی مرتبط است. دسترسی زنان و دختران به عدالت همچنین با محدودیت‌های موجود بر رفت‌وآمد آن‌ها و منع کار وکلا و قضات زن تضعیف شده است.

حمایت از زنان و دختران و مشارکت آن‌ها

۲۵. تلاش‌ها برای پیشبرد آجندای زنان و صلح و امنیت در افغانستان پس از به قدرت‌رسیدن طالبان به‌شدت مختل شده است. با توجه به حذف سیستماتیک حقوق زنان و دختران از سوی طالبان، ضرورت تأکید جدی بر حفظ رکن حفاظت آن آجندا، با تمرکز بر حمایت از مدافعان حقوق زنان و حقوق بشر، پیش‌گیری و مقابله با خشونت علیه زنان و تضمین اقدامات بشردوستانه‌ی پاسخگو به جنسیت، احساس می‌شود. چنین تلاش‌هایی همچنان بسیار ضروری است و باید مورد حمایت قرار گیرد.

۲۶. حذف زنان و دختران از زندگی به این معنا بوده است که زنان عملاً از پرونده‌های سیاسی و تصمیم‌گیری در افغانستان کنار گذاشته شده‌اند. در پاسخ به این وضعیت، بسیاری از فعالان در دایاسپورا، به‌ویژه زنان، فعالانه بسیج شده‌اند تا اطمینان حاصل کنند که توجه بین‌المللی به وضعیت حقوق بشر در افغانستان ادامه یابد. زنان افغان هم در داخل و هم در خارج از کشور به‌طور مداوم خواستار قرارگرفتن حقوق و صدای زنان و دختران در مرکز پرونده‌های سیاسی و تصمیم‌گیری‌اند، درخواستی که مورد حمایت گزارشگر ویژه قرار دارد.

۲۷. گزارشگر ویژه تعهدات دولت‌ها در چارچوب آجندای زنان و صلح و امنیت را یادآوری می‌کند تا از مشارکت برابر زنان و ترویج برابری جنسیتی در پرونده‌های تصمیم‌گیری مربوط به صلح و امنیت اطمینان حاصل شود. او خاطرنشان می‌کند که تسلط طالبان بر افغانستان به دنبال مذاکرات صلحی صورت گرفت که تا حد زیادی حقوق و صدای زنان را نادیده گرفت. تلاش‌های بیشتری لازم است تا راه‌هایی برای تضمین مشارکت برابر، پایدار، مصوون و معنادار زنان در بحث‌های مربوط به افغانستان پیدا شود. گزارشگر ویژه تأکید می‌کند که شامل‌سازی اندک و دیرهنگام در جریان پرونده‌های سیاسی احتمالاً تغییرات اساسی برای زنان و سایر گروه‌هایی که به دلیل قومیت، مذهب، جنسیت، تمایلات جنسی، سن یا هویت‌های دیگر به حاشیه رانده شده‌اند، به ارمغان نخواهد آورد.

ب. کودکان و جوانان

۲۸. از زمان ارائه‌ی گزارش قبلی‌اش به مجمع عمومی، گزارشگر ویژه اطلاعاتی مربوط به خشونت‌های جدی علیه کودکان دریافت کرده است؛ از جمله قتل و نقص عضو، استفاده و جذب آن‌ها به عنوان کودک‌سرباز، تجاوز و سایر اشکال خشونت جنسی، اختطاف، حمله به مکاتب و شفاخانه‌ها، و محروم‌سازی از کمک‌های بشردوستانه.

۲۹. علی‌رغم کاهش قابل‌توجه درگیری‌های فعال از سال ۲۰۲۱، تعداد کودکانی که در اثر انفجار مواد منفجره‌ی باقی‌مانده از جنگ کشته می‌شوند یا متحمل آسیب‌های جدی و حیاتی می‌شوند، همچنان به طرز نگران‌کننده‌ای بالا است. هرچند از آگست ۲۰۲۱ به این سو، میزان تلفات حوادث ناشی از دستگاه‌های انفجاری دست‌ساز کاهشی چشم‌گیر داشته است، پس از بیش از ۴۰ سال جنگ، افغانستان میزان آلودگی بالایی به مواد منفجره‌ی باقی‌مانده از جنگ را دارد که تمامی ۳۴ ولایت این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس گزارش سرویس ماین‌روبی* سازمان ملل متحد، بین جنوری و جولای ۲۰۲۴، ۱۰۸ نفر در اثر انفجار مواد منفجره‌ی باقی‌مانده از جنگ کشته شدند که ۹۱ نفر از آنان - ۸۴ درصد - تکان‌دهنده - کودک بودند (۱۹ دختر و ۷۲ پسر). همچنین ۲۴۷ نفر دیگر، که ۲۰۳ نفرشان کودک بودند (۳۰ دختر و ۱۷۳ پسر)، زخمی شدند. بیشتر قربانیان، پسرانی بودند که به جمع‌آوری آهن‌پاره یا بازی مشغول بودند. در ۳۱ مارچ ۲۰۲۴، در ولایت غزنی، ۹ طفل، شامل ۵ پسر و ۴ دختر، کشته شدند. این حادثه پس از آن اتفاق افتاد که یکی از آن‌ها یک مهمات منفجرناشده را که به نظر می‌رسید مربوط به ده‌ها سال پیش باشد، از زمین برداشت. همچنین در ۵ جون ۲۰۲۴، در ولایت کابل، سه دختر و یک پسر در اثر انفجار مواد منفجره زخمی شدند.

۳۰. گزارش‌های مؤثق نشان می‌دهد که مقامات بالفعل و سایر گروه‌های مسلح همچنان به استخدام کودکان در نقش‌های جنگی و حمایتی، از جمله استقرار آن‌ها در ایست‌های بازرسی مقامات بالفعل، ادامه می‌دهند. پیش از تصرف قدرت توسط طالبان، طرف‌های مختلف درگیر جنگ، از جمله نیروهای امنیتی دولت سابق، نیز کودکان را استخدام می‌کردند. نیاز به برنامه‌های بازگشت و ادغام مجدد، از جمله بازگرداندن کودکان به خانواده‌های‌شان و جذب آن‌ها به مراکز آموزشی و حرفه‌ای، همچنان احساس می‌شود.

* Mine Action Service

۳۱. همان‌گونه در گزارش‌های قبلی نیز اشاره شده است، گزارشگر ویژه همچنان نگران نوعی از خشونت جنسی علیه کودکان است که زیر نام «بچه‌بازی» شناخته می‌شود. بچه‌بازی شکل شدیدی از کودک‌آزاری و بهره‌کشی از کودکان است که پیش از حکومت طالبان نیز وجود داشته است. گزارشگر ویژه خاطرنشان می‌کند که بچه‌بازی طبق قانون امر به معروف و نهی از منکر طالبان ممنوع است. با این حال، نبود مکانیسم‌های حفاظتی برای کودکان همچنان نگران‌کننده است، به‌ویژه پس از آن‌که طالبان ساختارهای حقوقی و اداری مهم و نهادهای اختصاصی را نابود کرده و کودکان قربانی را بدون حمایت، خدمات یا دسترسی کافی به عدالت رها کرده‌اند.

۳۲. ادعاهای مستمر و مؤثق درباره‌ی حملات بر نظام معارف، از جمله حملات فیزیکی بر مکاتب از سوی افراد ناشناس و دستگیری و حبس آموزگاران، وجود دارد. گزارشگر ویژه همچنین گزارش‌هایی مبنی بر استفاده از مکاتب در برخی از ساحات به‌عنوان پایگاه‌های نظامی طالبان و نیز حملات گروه‌های مسلح در نزدیکی تأسیسات آموزشی دریافت کرده است. استفاده از مکاتب برای مقاصد نظامی ممکن است مکاتب را به اهداف نظامی تبدیل کند. این کار همچنین بر دسترسی کودکان به حق تحصیل تأثیر می‌گذارد که در تناقض با تعهدات افغانستان طبق «کنوانسیون حقوق کودک*» و «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی†» قرار دارد.

دسترسی به آموزش

۳۳. طی سه سال گذشته در افغانستان، دختران بالاتر از صنف ششم از رفتن به مکتب منع شده‌اند. وقتی طالبان برای اولین بار قدرت را به‌دست گرفتند، رهبران‌شان گفتند که تحصیلات ثانوی و عالی برای دختران تا زمانی‌که شرایط مطابق با قوانین اسلامی فراهم نشود، به حالت تعلیق در خواهد آمد؛ اکنون می‌گویند که تحصیل «موضوعی داخلی» است و هنوز مشخص نیست که چه زمانی -یا اصلاً- مکاتب به روی دختران باز خواهند شد. آموزش، علاوه بر این‌که بذاته یک حق انسانی به‌شمار می‌رود، ابزاری ضروری برای تحقق سایر حقوق انسانی است. بنابراین، محرومیت زنان و دختران از حق تحصیل به مجموعه‌ای از آسیب‌های عمیق و جنسیتی منجر می‌شود که با ادامه‌دارشدن این محرومیت، شدت آن آسیب‌ها نیز بیشتر خواهد شد.

۳۴. محرومیت از فرصت‌های آموزشی، چشم‌انداز آینده‌ی دختران و زنان جوان را به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌دهد و آن‌ها را در معرض خطر بالایی از کودک‌همسری، ازدواج زودهنگام، ازدواج اجباری، مشکلات جسمی و روانی (از جمله اضطراب و افسردگی) و خشونت‌های جنسیتی قرار می‌دهد. کودک‌همسری و ازدواج‌های زودهنگام نه‌تنها حقوق جنسی و باروری را نقض می‌کند، بلکه دختران و زنان جوان را در معرض خطر بیشتری از بارداری زودهنگام و عوارض ناشی از بارداری قرار می‌دهد. محرومیت زنان از آموزش نه‌تنها بحران انسانی را تشدید می‌کند، بلکه به‌طور قابل‌توجهی بر توسعه‌ی درزآمدت افغانستان نیز تأثیر خواهد گذاشت.

* Convention on the Rights of the Child

† International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights

۳۵. علی‌رغم ممنوعیت‌ها، دختران و زنان جوان راه‌های جایگزین، خلاقانه و گاه مخفیانه‌ای برای ادامه‌ی تحصیل‌شان پیدا کرده‌اند. گزارشگر ویژه با زنان جوانی ملاقات کرد که در صنف‌های آنلاین، از جمله صنف‌های تحصیلات تکمیلی، شرکت می‌کردند و از پلتفرم‌های آنلاین برای ادامه‌ی آموزش خود استفاده می‌کردند. درحالی‌که گزارشگر ویژه از تعهد و پشتکار آن‌ها ستایش می‌کند، خاطرنشان می‌کند که چنین فرصت‌هایی اغلب در اختیار افرادی است که از لحاظ مالی، تکنولوژیکی و سایر امکانات، توان بهره‌مندی از آن‌ها را دارند.
۳۶. درحالی‌که توجه بسیاری بر محرومیت زنان و دختران از حق تحصیل متمرکز شده است، که قابل فهم است، پسران و مردان جوان نیز با کاهش دسترسی و کیفیت آموزش‌شان در دوران حکومت طالبان مواجه‌اند. آموزگاران زن که از مکاتب پسرانه اخراج شده‌اند، اغلب با آموزگاران مرد فاقد صلاحیت یا کم‌صلاحیت جایگزین شده‌اند و گزارش‌ها حاکی از آن است که تنبیه بدنی - که از مشکلات دیرینه‌ی مکاتب در افغانستان است - بیش از گذشته رواج یافته است. در این میان، فشارهای اقتصادی فزاینده باعث شده است که بسیاری از پسران ترک تحصیل کنند و برای تأمین نیازهای خانواده‌های‌شان به کار روی آورند.
۳۷. گزارشگر ویژه شاهد افزایش فعالیت و ترویج مدرسه‌های دینی در افغانستان بوده است. در دوران جمهوریت، دولت تلاش می‌کرد تا به منظور استانداردسازی تعلیمات دینی و جلوگیری از گسترش ایدئولوژی‌های افراطی، مدرسه‌های دینی را تحت قاعده و نظم درآورد. طالبان، از زمان تصرف قدرت، آموزش دینی را به شدت ترویج کرده‌اند. بر اساس گفته‌های معین وزارت معارف طالبان، تا ماه آگست ۲۰۲۳، در سراسر افغانستان، به تعداد ۳۳۹۵۹۵ شاگرد در مدرسه‌های دینی دولتی ثبت نام کرده‌اند که ۹۵۶۶۲ نفر از آن‌ها را دختران تشکیل می‌دهند.
۳۸. نگرانی‌هایی درباره‌ی محتوای آموزشی در مدرسه‌های دینی وجود دارد. گزارشگر ویژه نگران گزارش‌هایی است که در برخی موارد نشان می‌دهد این نهادهای دینی برای ترویج ایدئولوژی طالبان، از جمله تبعیض نهادینه‌شده و سرکوب زنان و دختران، استفاده می‌شوند. نیاز به تحقیقات بیشتر، به ویژه در زمینه‌ی پتانسیل این مدرسه‌ها برای کاشت بذر بی‌ثباتی در افغانستان و خارج از مرزهای آن، وجود دارد.
۳۹. دخترانی که از تحصیلات ثانوی و عالی محروم شده‌اند، به طور فزاینده‌ای به مدرسه‌های دینی، که کیفیت آموزش در آن‌ها مختلف است، روی می‌آورند. برخی از این مدرسه‌ها تنها فرصت‌های آموزشی ابتدایی را فراهم می‌کنند، درحالی‌که برخی دیگر درس‌های پیشرفته‌تری شامل مضامینی مثل زبان انگلیسی و تکنولوژی معلوماتی را در برنامه‌های‌شان دارند. گزارشگر ویژه تأکید می‌کند که آموزش‌های دینی در مدرسه‌ها باید مکمل آموزش‌های اساسی که «معطوف به رشد کامل شخصیت انسانی است»، باشد، نه این‌که جایگزین آن‌ها شود*.

* میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۳ (۱).

ج. اقلیت‌ها

۴۰. افغانستان خانه‌ی حدود ۴۱ میلیون نفر با پیشینه‌های قومی، مذهبی و زبانی متنوع است. این تنوع غنی به این معناست که هیچ گروهی نمی‌تواند ادعا کند که نماینده‌ی کل کشور یا معرف هویت افغان‌ها است*.
۴۱. با وجود این، طالبان نوعی از حکومت را بر مردم افغانستان تحمیل کرده است که نه همه‌شمول است و نه نماینده‌ی کل افغان‌هاست. مقامات بالفعل، به‌ویژه در سطوح بالای رهبری، عمدتاً مردان پشتون سنی‌مذهب‌اند. درحالی‌که طالبان ادعا می‌کنند که بر افزایش وحدت تأکید دارند، گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی غیرطالب همچنان با تبعیض، حذف و انزوا مواجه‌اند. زنان و دختران این گروه‌ها با اشکال مضاعف و متقاطع تبعیض مواجه‌اند.
۴۲. پیش‌دآوری و کلیشه‌سازی بر اساس قومیت و مذهب پیش از روی کارآمدن طالبان نیز وجود داشته است، و اظهارات مؤثّق و دیرینه‌ای درباره‌ی ارتکاب جنایات جدی علیه گروه‌های مورد حمایت بر اساس قومیت و/یا مذهب، به‌ویژه هزاره‌ها، مطرح است. گزارشگر ویژه همچنان نگرانی شدید خود را نسبت به الگوهای مداوم نقض حقوق و بدرفتاری با اقلیت‌ها و گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده، که اغلب به‌دلیل تصورات مربوط به حمایت یا مخالفت برخی گروه‌ها با طالبان شکل گرفته است، ابراز می‌کند. او همچنین نگران گسترش احساسات ضدپشتونی و نیز افزایش تنش‌ها و بی‌اعتمادی بین‌اجتماعی است.
۴۳. گزارشگر ویژه بر اهمیت عدم تبعیض و ترویج و حفاظت از حقوق اقلیت‌ها، از جمله آزادی مذهب یا عقیده و حقوق فرهنگی، تأکید می‌کند. او از اقدامات طالبان که بیشتر از پیش به تضعیف این حقوق منجر می‌شود، نگران است. ممنوعیت مراسم مذهبی، جمع‌آوری کتاب‌های مرتبط با مذهب شیعه از کتابخانه‌ها و ممنوعیت ترجمه‌ی آثار علمی به زبان‌های ازبکی و ترکی از جمله‌ی این اقدامات طالبان است.

خشونت‌ها و تهدیدها علیه اقلیت‌های مذهبی

۴۴. اقلیت‌های مذهبی، از جمله مسلمانان شیعه‌مذهب، عمدتاً هزاره‌های شیعه‌مذهب، و فرقه‌های تصوف در افغانستان با خشونت و تهدید مداوم مواجه‌اند.
۴۵. جوامع شیعه، به‌ویژه شیعیان هزاره، همچنان هدف حملات گروه دولت اسلامی در عراق و شام - ولایت خراسان (ISIL-KP) قرار می‌گیرند. در ۶ جنوری ۲۰۲۴، یک دستگاه انفجاری دست‌ساز این گروه یک اتوبوس عمومی را در منطقه‌ای با اکثریت شیعه‌ی هزاره در کابل هدف قرار داد که به کشته‌شدن ۶ غیرنظامی و زخمی‌شدن ۲۰ نفر دیگر، که عمدتاً مردان بودند، منجر شد. داعش مسئولیت این حمله را پذیرفت و اعلام کرد که آن‌ها «بی‌دینان» را هدف قرار داده‌اند. در ۱۱ اگست، یک دستگاه انفجاری دست‌ساز دیگر در همان محل اتوبوسی را هدف قرار داد که باعث کشته‌شدن ۲ نفر و زخمی‌شدن ۱۳ نفر دیگر (۸ مرد، ۴ زن و ۱ طفل پسر) شد. بر اساس گزارش‌های رسانه‌ها، داعش مسئولیت این حمله را نیز بر عهده گرفت. در ادامه‌ی حملات به اماکن مذهبی شیعیان، در ۲۹ آپریل

* اصطلاح «اقلیت‌ها» در افغانستان گاهی مورد بحث و اعتراض قرار می‌گیرد. در این گزارش، این اصطلاح بر اساس تعریفی که گزارشگر ویژه‌ی مسائل اقلیت‌ها استفاده کرده است (A/75/211، بند ۲۰)، تعریف می‌شود.

- یک فرد مسلح وابسته به داعش به سمت نمازگزاران در داخل مسجد صاحب‌الزمان در ولایت هرات تیراندازی کرد. در این حمله ۶ نفر (۴ مرد، ۱ زن و ۱ طفل پسر) کشته شدند.
۴۶. اعضای شاخه‌ی خراسان گروه داعش همچنین مسئولیت حملاتی را که علیه سایر اعضای اقلیت‌های مذهبی انجام شده است، بر عهده گرفته‌اند. به‌طور مثال، در ۱۷ می، یک فرد مسلح در بازاری در ولایت بامیان به سمت مسیحیان و شیعیان تیراندازی کرد که منجر به کشته‌شدن دو شهروند افغان و سه شهروند اسپانیایی و زخمی‌شدن شش نفر دیگر شد. به گفته‌ی مقامات بالفعل، هفت نفر در ارتباط با این حادثه دستگیر شدند.
۴۷. حملات شاخه‌ی خراسان گروه داعش علیه اقلیت‌های مذهبی و ناکامی طالبان در حفاظت از این گروه‌ها، باعث افزایش ترس و بی‌اعتمادی شده است. همان‌گونه که در گزارش‌های قبلی ذکر شده است، سیک‌ها و هندوها، که در گذشته هدف حملات شاخه‌ی خراسان گروه داعش قرار گرفته بودند، تقریباً به‌طور کامل از افغانستان خارج شده‌اند. گزارشگر ویژه خاطر نشان می‌کند که طالبان کمیسیونی را برای بازگرداندن اموال مصادره‌شده‌ی سیک‌ها و هندوها در دوره‌ی حکومت پیشین تشکیل داده و تلاش‌هایی را برای تشویق افراد این اقلیت‌های مذهبی به بازگشت به افغانستان انجام داده‌اند.
۴۸. خشونت‌ها و تهدیدها علیه اعضای اقلیت‌های مذهبی از سوی مقامات بالفعل نیز صورت می‌گیرد. گزارشگر ویژه مواردی از خشونت علیه افراد شیعه‌مذهب توسط مقامات نیروهای امنیتی بالفعل در جریان تلاشی خودسرانه‌ی خانه‌ها در جولای ۲۰۲۴، در آغاز ماه محرم (نخستین ماه تقویم اسلامی)، را مستند کرده است. این خشونت‌ها شامل ضرب‌وشتم، تخریب اموال و در برخی موارد، قتل‌های غیرقانونی بوده است که نیاز به تحقیقات بیشتری دارد. در مواردی، تلاشی خانه‌ها با توهین‌های لفظی و استفاده از زبان تحقیرآمیز همراه بوده است.
۴۹. تلاشی خانه‌ها در شرایطی انجام شد که تدابیر امنیتی همزمان با برگزاری مراسم عاشورا توسط شیعیان تشدید شده بود. پیش از این مراسم، طالبان دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه‌ای برای شیعیان صادر کرد که شامل محدودیت در نمایش پرچم‌ها، بنرها و نمادها در اماکن عمومی و دستوراتی مبنی بر عدم برگزاری تجمعات عمومی بود. دلیل این محدودیت‌ها، تهدیدات امنیتی گفته شد.
۵۰. گزارشگر ویژه همچنان اطلاعاتی درباره‌ی منازعات بر سر زمین از ولایات مختلف افغانستان دریافت می‌کند. بسیاری از این منازعات ابعاد قومی و قبیله‌ای دارند و همچنین عناصر سیاسی، اقتصادی و مرتبط با تغییرات اقلیمی در آن‌ها نقش دارند. او نسبت به گزارش‌های حاکی از اعمال خشونت در این زمینه‌ها ابراز نگرانی کرده و بار دیگر بر مسئولیت مقامات بالفعل در تحقیق درباره‌ی اتهامات تهدید و خشونت و پاسخگو کردن عاملان تأکید می‌کند.
۵۱. گزارشگر ویژه در گفتگو با اعضای جوامع اقلیت‌های مذهبی، موارد متعددی از استفاده‌ی مکرر از واژه‌ی «کافر» (بی‌دین)، به‌ویژه توسط مقامات طالبان، را ثبت کرده است. این اصطلاح به‌طور گسترده در مواردی به کار می‌رود که افراد در فعالیت‌های غیرمرتبط با طالبان درگیر باشند. یک مرد شیعه‌ی هزاره تأثیر این نوع گفتار را چنین توصیف کرد:

«آن‌ها می‌گویند: «تو ناپاکی و جایی در این کشور نداری.» این حرف باعث می‌شود احساس کنم که دیگر در این جامعه یا کشور جایی برای ما وجود ندارد.»

۵۲. گزارشگر ویژه تأکید می‌کند که ادبیات انحصاری و عادی‌سازی آن باعث می‌شود جوامع مورد هدف به‌عنوان «دیگری» تلقی شوند و این مسأله اغلب به تبعیض و به حاشیه‌راندن بیشتر آن‌ها منجر می‌شود.

د. گرایش جنسی و هویت جنسیتی

۵۳. افراد لزبین، گی، دوجنس‌گرا، ترنسجندر و سایر دگرسان‌جنسیتی‌ها در افغانستان همچنان بر اساس گرایش جنسی و/یا هویت جنسیتی‌شان تحت آزار و تعقیب قرار می‌گیرند و مجرم شناخته می‌شوند. گزارشگر ویژه با افراد لزبین، گی، دوجنس‌گرا، ترنسجندر و سایر دگرسان‌جنسیتی‌ها از افغانستان دیدار کرد که در دوران بازداشت توسط مقامات طالبان، مورد خشونت جنسی، شکنجه و سایر اشکال رفتار یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گرفته بودند. او همچنین از گزارش‌های متعدد درباره‌ی افراد لزبین، گی، دوجنس‌گرا، ترنسجندر و سایر دگرسان‌جنسیتی‌ها که در ملأ عام شلاق زده می‌شوند، به‌شدت نگران است. در ۱۲ آگست ۲۰۲۴، ستره محکمه‌ی طالبان اعلام کرد که دو مرد در ولسوالی جلریز ولایت میدان وردک به اتهام «لواط» هر کدام به ۳۹ ضربه شلاق و ۱۳ سال زندان محکوم شده‌اند.

۵۴. افغان‌های لزبین، دوجنس‌گرا و بیناجنسی که در افغانستان به‌عنوان زن شناخته می‌شوند، در معرض خطر بالای ازدواج اجباری و خشونت‌های خانوادگی قرار دارند. مردان همجنس‌گرا و ترنسجندر به‌صورت خاص در معرض محکومیت و خشونت در ملأ عام، به‌ویژه شلاق، قرار دارند. گزارشگر ویژه همچنین اطلاعاتی دریافت کرده است مبنی بر این که زنان ترنسجندر به‌دلیل تهدیدات، خشونت و آزار و اذیت، در دسترسی به آموزش با مشکلات زیادی مواجه هستند. یک مرد گی توضیح داد که «اگر آن‌ها هویت جنسیتی شما را بدانند یا دیده شود که هویت جنسیتی شما متفاوت است، هدف قرار خواهید گرفت.»

۵۵. بسیاری از افراد لزبین، گی، دوجنس‌گرا، ترنسجندر و سایر دگرسان‌جنسیتی‌ها در افغانستان برای دسترسی به حمایت و خدمات مناسب با مشکلات زیادی مواجه‌اند و برنامه‌های کمی وجود دارد که به نیازها و آسیب‌پذیری‌های خاص آن‌ها پاسخ دهد. این وضعیت با تبعیض، بدرفتاری و تهدید به خشونت بیشتر، که از قبل وجود داشتند، تشدید شده است. افرادی که تصمیم به مهاجرت از کشور می‌گیرند، نیز همچنان با چالش‌هایی در دسترسی به حمایت مواجه می‌شوند و ترس از تبعیض و خشونت در برخی از کشورهای میزبان روبه‌رو را تجربه می‌کنند.

ه. افراد دارای معلولیت

۵۶. افغانستان یکی از بالاترین جمعیت‌های افراد دارای معلولیت را در جهان دارد. دهه‌ها درگیری و فقر منجر به وضعیتی شده است که در آن بیش از ۱ میلیون افغان با نوعی از معلولیت جسمی که اغلب بر توانایی حرکت، بینایی یا شنوایی‌شان تأثیر می‌گذارد، زندگی می‌کنند.

۵۷. افراد دارای معلولیت به‌طور نامتناسبی از بحران اقتصادی و انسانی افغانستان آسیب می‌بینند. این وضعیت با خروج سازمان‌های ملی و بین‌المللی از افغانستان که خدماتی مثل توان‌بخشی، آموزش‌های تکنیکی و مسلکی، فرصت‌های شغلی، ابتکارات اجتماعی، آموزش‌های رهبری و تأمین مالی خرد ارائه می‌کردند، تشدید شده است. فعالان حقوق افراد دارای معلولیت به گزارشگر ویژه گفتند که کمک‌های بشردوستانه اغلب به‌طور کامل به افراد دارای معلولیت نمی‌رسد. کسانی که در مناطق دورافتاده یا صعب‌العبور زندگی می‌کنند، با آسیب‌پذیری مضاعف مواجه‌اند.

۵۸. سرکوب و آزار و اذیت جنسیتی از سوی طالبان به این معناست که زنان و دختران دارای معلولیت با انواع چنگانه و متقاطع تبعیض مواجه می‌شوند که آن‌ها را در معرض خطرات بیشتر نقض حقوق و رفتار سوء قرار می‌دهد. محدودیت‌های شدید در زمینه‌ی رفت‌وآمد و حق کار زنان، نه‌تنها بر زنان و دختران نوجوان دارای معلولیت، بلکه بر زنانی که از افراد دارای معلولیت حمایت و سرپرستی می‌کنند نیز، تأثیر منفی می‌گذارد. یک زن توضیح داد: «تصور کنید که در روستایی در افغانستان زنی باشید که مادر یک کودک دارای معلولیت است. چه احساسی دارد؟ احساس ترس، رهاشدگی و حذف.»

۵۹. دسترسی به برنامه‌های حمایت اجتماعی سخت و دشوار است. برخی از افغان‌های دارای معلولیت گزارش داده‌اند که از زمان به قدرت‌رسیدن طالبان تاکنون هیچ حمایتی مالی دریافت نکرده‌اند. کسانی که شکایت می‌کنند، گاهی مورد خشونت قرار می‌گیرند. گزارشگر ویژه همچنان نسبت به پرداخت نامنظم و جانبدارانه‌ی کمک‌های نقدی به افراد دارای معلولیت از سوی وزارت امور شهدا و معلولین طالبان نگران است. او اطلاعاتی دریافت کرده که نشان می‌دهد افراد دارای معلولیت وابسته به طالبان تقریباً دو برابر مبلغی که به افراد غیرطالب با معلولیت‌های ناشی از جنگ داده می‌شود، دریافت می‌کنند.

IV. حقوق مدنی و سیاسی

الف. حاکمیت قانون و اجرای عدالت

۶۰. طالبان پس از به قدرت‌رسیدن، قانون اساسی سال ۲۰۰۴ را تعلیق کردند و اعلام کردند که تمامی قوانینی که در دوره‌ی جمهوری اسلامی افغانستان تصویب شده‌اند، برای انطباق با شریعت و سنت‌های افغانستان بررسی خواهند شد. تاکنون، وضعیت قوانین و سایر منابع حقوقی همچنان نامشخص باقی مانده و این مسأله باعث عدم ثبات و قطعیت حقوقی شده است. طالبان همچنان با صدور احکام و دستوراتی که با تفسیر خودشان از شریعت سازگار است، حکومت می‌کنند. بسیاری از این احکام و دستورات منتشر نمی‌شوند یا به‌صورت شفاهی صادر می‌شوند که این امر به عدم قطعیت حقوقی بیشتر دامن می‌زند. با وجود این عدم قطعیت حقوقی، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، اصرار می‌ورزد که هیچ‌گونه خلأ قانونی در کشور وجود ندارد.

۶۱. قانون جدید امر به معروف و نهی از منکر محدودیت‌های گسترده‌ای را بر جنبه‌های عمومی و خصوصی زندگی مردم تحمیل می‌کند. علاوه بر تأیید مجدد و گسترش محدودیت‌ها برای زنان و دختران، این قانون، مقررات پوشش اجباری را برای مردان و پسران وضع کرده و از جمله طول مجاز موی سر و ریش آن‌ها را تعیین می‌کند. همچنین، این قانون روابط

جنسی همجنس‌گرایانه‌ی مبتنی بر رضایت طرفین را مجدداً جرم‌انگاری کرده و دوستی یا همکاری با «غیرمؤمنان» را ممنوع می‌کند. سایر مفاد این قانون، حقوق اقلیت‌های مذهبی را نقض کرده و محدودیت‌های شدید بر آزادی بیان - که به‌طور خاص آزادی رسانه‌ها تحت تأثیر قرار خواهد داد - اعمال می‌کند و مراسم و جشن‌های «غیراسلامی» را ممنوع می‌سازد. این قانون به پلیس اخلاق، قدرت وسیع و بی‌حد و حصری اعطا می‌کند و مردم را به همکاری در اجرای آن تشویق می‌کند. بر اساس این قانون، مفاد آن بر تمامی نهادها، اماکن عمومی و افراد ساکن در قلمرو افغانستان اعمال می‌شود که نگرانی‌های جدی درباره‌ی تأثیر آن بر فعالیت‌های بشردوستانه و مأموریت‌های سازمان ملل در کشور ایجاد کرده است.

۶۲. محاکم همچنان با رویه‌های نامنظم و بدون مراجع قانونی روشن به کارشان ادامه می‌دهند. قضات دوره‌ی جمهوری به‌طور سیستماتیک کنار گذاشته شده و جای‌شان را اعضای طالبان گرفته‌اند که تحت نظر مفتی‌های بدون آموزش حقوقی کافی فعالیت می‌کنند. تمامی آن‌ها مرد هستند. درحالی‌که مقامات بالفعل ادعا می‌کنند که قضات طالبان فهم عمیقی از شریعت و بر زبان عربی تسلط دارند، حقوق‌دانان کارآزموده می‌گویند که این ادعا همیشه درست نیست. حقوق‌دانان همچنین به گزارشگر ویژه گفته‌اند که مقامات بالفعل دستور داده‌اند که قضات در کارشان به منابع شرعی استناد کنند. این منابع به زبان‌های ملی، یعنی دری و پشتو، موجود نیست و این مسأله، فهم منشأ و معنای قانون را برای متخصصان حقوق و مردم عادی که به زبان عربی مسلط نیستند، دشوار کرده است. نتیجه‌ی این وضعیت، نبود شفافیت و اجرای اغلب خودسرانه‌ی قوانین است.

۶۳. وزارت عدلیه طالبان همچنان جوازهای وکلای مدافع را تجدید می‌کند و از آگست ۲۰۲۱ تاکنون حدود ۱۴۳۰ جواز صادر کرده است که همگی به وکلای مدافع مرد داده شده‌اند. برای سومین سال متوالی، زنان از شرکت در امتحان وکالت منع شده‌اند و قضات و وکلای زن همچنان از فعالیت در عرصه‌ی قضایی محروم‌اند. این وضعیت، دسترسی زنان و دختران به عدالت را بیشتر از پیش تضعیف می‌کند.

۶۴. علی‌رغم تلاش‌های طالبان برای تجدید جوازهای وکلای مدافع، گزارش‌های متعددی به گزارشگر ویژه در مورد کمبود وکلای مدافع، به‌ویژه در پرونده‌هایی که نیاز به مساعدت حقوقی دارند، رسیده است. سازمان‌های ارائه‌دهنده‌ی مساعدت‌های حقوقی نیز در تمدید جوازهای‌شان با دشواری مواجه‌اند و برخی حتی هشدارهایی برای توقف فعالیت‌های خود دریافت کرده‌اند. کمبود نیروی انسانی و تراکم دوسیه‌ها باعث شده است که افراد پیش از محاکمه غالباً برای مدت‌های طولانی در بازداشت نگه داشته شوند.

۶۵. در آپریل ۲۰۲۴، مکتوبی از سوی ستره محکمه‌ی طالبان منتشر شد که به وکلای مدافع دستور می‌داد در هر پرونده حداکثر ۵۰۰۰ افغانی (تقریباً ۷۰ دالر آمریکایی) دریافت کنند. در مکتوب آمده بود که وکلایی که از این سقف هزینه تجاوز کنند، ممکن است جوازشان لغو شود. در تئوری، این اقدام ممکن است حمایت‌های بیشتری را برای افرادی با وضعیت اجتماعی-اقتصادی ضعیف فراهم کند. با این حال، گروه‌های جامعه‌ی مدنی نگرانی‌هایی را مطرح کرده‌اند مبنی بر این‌که سقف هزینه ممکن است باعث شود وکلا از قبول پرونده‌های سیاسی یا سایر پرونده‌های حساس خودداری کنند.

۶۶. در جنوری ۲۰۲۴، ستره محکمه‌ی طالبان مکتوبی متحدالمال را در خصوص دوسیه‌های خانوادگی که در دوران جمهوریت فیصله شده بودند، منتشر کرد. این مکتوب، اعتبار طلاق‌ها و/یا جدایی قانونی زنان از همسران‌شان را به رسمیت می‌شناسد، مشروط بر این‌که حداقل با یکی از چهار مکتب فقهی اهل سنت سازگار باشد. افراد باید سند رسمی از محکمه ارائه کنند که در عمل بسیاری از آن‌ها قادر به انجام این کار نیستند. طلاق‌ها و جدایی‌های قانونی که با این مکتب‌ها ناسازگار تشخیص داده شوند، باطل تلقی می‌شوند و در نتیجه، برخی از زنان مجبور به بازگشت به شرایط خطرناک می‌شوند. این مکتوب بر زنان اقلیت‌های مذهبی، از جمله شیعیان، بیشتر از دیگران تأثیر منفی دارد، زیرا مکتب فقهی جعفری را شامل نمی‌شود.

ب. نقض حق زندگی، آزادی و امنیت افراد

۶۷. مقامات بالفعل طالبان همچنان به انجام کشتارهای فراقضایی ادامه می‌دهند. با وجود اعلام عفو عمومی از سوی طالبان در آگست ۲۰۲۱، مقامات دولتی و اعضای نیروهای امنیتی پیشین در دوره‌ی گزارش‌دهی همچنان هدف قرار گرفته‌اند. همچنین، گزارش‌های مستمر و معتبری از کشتار اعضای جبهه‌ی مقاومت ملی و شاخه‌ی خراسان گروه داعش به‌دست آمده است.

۶۸. مقامات بالفعل همچنان مخالفان‌شان را از طریق بازداشت و حبس خودسرانه سرکوب می‌کنند. گزارشگر ویژه اسناد و ادعاهایی مبنی بر بازداشت و حبس روزنامه‌نگاران، مدافعان حقوق بشر و سایر منتقدان طالبان را جمع‌آوری کرده است. برخی از این بازداشت‌ها با اعمالی نظیر ناپدیدسازی اجباری همراه بوده است. گزارش‌های پیوسته و نگران‌کننده‌ای حاکی از آن است که مقامات طالبان، به‌ویژه افراد وابسته به ریاست عمومی استخبارات و پولیس طالبان، در حین بازداشت، بازجویی و حبس، به شکنجه و بدرفتاری با افراد می‌پردازند. یک کارمند رسانه که اوایل سال ۲۰۲۴ توسط مقامات ریاست عمومی استخبارات به‌دلیل انتقاد از طالبان بازداشت شده بود، تجربه‌ی تلخ‌اش را این‌گونه شرح داد: «چشمان و دستانم را بستند، مرا داخل یک موتر گذاشتند و در یک زیرزمینی تاریک حبس کردند. تحت شکنجه‌ی جسمی و آزار جنسی، از جمله ضرب‌وشتم شدید و تهدید با سلاح گرم، قرار گرفتم.»

۶۹. این وضعیت به‌دلیل نبود تضمین‌های قانونی، از جمله دسترسی به وکیل مدافع و محرومیت از سایر حقوق دادرسی عادلانه، وخیم‌تر شده است. گزارش‌های معتبری وجود دارد که نشان می‌دهد محاکم در چندین ولایت از دسترسی متهمان، از جمله کودکان، به وکلای مدافع‌شان جلوگیری می‌کنند.

۷۰. طالبان همچنان به اجرای مجازات‌های بدنی در ملأ عام که مصداق شکنجه است، و سایر بدرفتاری‌ها ادامه می‌دهند. از آغاز سال ۲۰۲۴، افزایش نگران‌کننده‌ای در تعداد مجازات‌ها برای جرایم حدود، قصاص و تعزیر مشاهده شده است. بر اساس اعلامیه‌های رسمی ستره محکمه‌ی طالبان، بین جنوری و آگست ۲۰۲۴، حدود ۲۷۶ نفر (۲۳۰ مرد و ۴۶ زن) به‌خاطر چنین جرایمی مجازات شده‌اند. درحالی‌که در ۸۰ اعلامیه‌ی رسمی، بخش اعظم این مجازات‌ها برای جرایمی همچون دزدی و زنا گزارش شده‌اند؛ اما افراد دیگری به‌خاطر «جرایمی» مانند لواط، همجنس‌گرایی، فرار از خانه و کمک به فرار زن از خانه نیز مجازات

شده‌اند. این موضوع خطرات خاصی را که افراد لزبین، گی، دوجنس‌گرا، ترنسجندر و سایر دگرسان‌جنسیتی‌ها و زنان هم‌سوجنس (سیسجندر) با آن مواجه‌اند، برجسته می‌سازد.

۷۱. در ماه‌های می و جون، اندکی پس از آن‌که رهبر طالبان، در پیامی صوتی در مارچ ۲۰۲۴ بار دیگر بر تعهد این گروه به اجرای شلاق و سنگسار در ملأ عام، از جمله برای زنان متهم به زنا، تأکید کرد، تعداد مجازات‌ها به‌طور چشمگیری افزایش یافت. مقامات بالفعل در ۴ جون ۲۰۲۴، ۶۳ نفر (۴۸ مرد و ۱۵ زن) را در ولایت سرپل در ملأ عام شلاق زدند. هر فرد بین ۱۵ تا ۳۹ ضربه شلاق خورد.

ج. نقض حق آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز

۷۲. در دوره‌ی گزارش‌دهی فضای آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز بیش از پیش محدود شده است. مدافعان حقوق بشر، وکلای مدافع، خبرنگاران و اعضای جامعه‌ی مدنی به‌خاطر فعالیت‌های‌شان با تهدید، ارباب و آزارهای مداوم، از جمله بازداشت و زندان، مواجه‌اند. سازمان‌های غیردولتی محلی (انجوها) و گروه‌های جامعه‌ی مدنی با چالش‌های متعددی مانند لغو یا عدم تمدید جوازهای‌شان روبه‌رویند. گزارشگر ویژه به‌طور خاص از اطلاعات دریافتی در آگست ۲۰۲۴ نگران است که نشان می‌دهد وزارت اقتصاد طالبان از صدور جواز جدید برای برخی از سازمان‌ها خودداری می‌کند، مگر آن‌که آن‌ها کلماتی همچون «زنان»، «دموکراسی» و «عدالت» را از نام‌های‌شان حذف کرده و جرمه‌ی مالی بپردازند.

۷۳. روزنامه‌نگاران و کارکنان رسانه‌ها در محیطی پرچالش فعالیت می‌کنند و علاوه بر تهدید، آزار و اذیت، ارباب و بازداشت، با محدودیت‌های مختلفی از سوی مقامات بالفعل مواجه‌اند. روزنامه‌نگارانی که به دلیل فعالیت‌های‌شان بازداشت می‌شوند، اغلب به همکاری با رسانه‌های خارجی یا انتشار اطلاعات انتقادی علیه مقامات بالفعل متهم می‌شوند. افرادی که درباره‌ی موضوعات حساس، از جمله حقوق بشر و نقض حقوق زنان و دختران گزارش می‌دهند، به‌طور خاص در معرض خطر قرار دارند. این وضعیت برای خبرنگاران زن، به دلیل محدودیت‌های طالبان در زمینه‌ی آزادی رفت‌وآمد و حق کار برای زنان، وخیم‌تر است.

۷۴. کارکنان رسانه‌ها همچنین گزارش داده‌اند که تحت نظرند و تهدیدهای لفظی دریافت کرده‌اند که هدف از آن‌ها جلوگیری از ادامه‌ی فعالیت‌های‌شان بوده است. چنین تهدیدهایی، همراه با خطر دستگیری و زندان، عوامل آشکاری برای خودسانسوری‌اند و احساس ناامنی را تقویت می‌کنند. همان‌گونه که یک ژورنالیست زن توضیح داد: «می‌خواهند صدایم را خاموش کنند. می‌خواهند مانع حرف‌زدن مردم شوند، به‌ویژه خبرنگارانی که در زمینه‌ی حقوق زنان گزارش تهیه می‌کنند.»

۷۵. نگرانی‌های امنیتی و ایمنی تنها به خبرنگاران محدود نمی‌شود، بلکه شامل منابع خبری و افرادی که با آن‌ها مصاحبه می‌کنند نیز می‌شود. گزارشگر ویژه گزارش‌های نگران‌کننده‌ای دریافت کرده است مبنی بر این‌که قربانیان و بستگان‌شان پس از صحبت با رسانه‌ها درباره‌ی نقض حقوق بشر، با تهدید، نظارت و در برخی موارد بازداشت مواجه شده‌اند.

۷۶. تهدید، ارباب و بازداشت خبرنگاران در بستر بزرگتر سرکوب فزاینده‌ی آزادی مطبوعات، از جمله از طریق تعطیلی رسانه‌ها و سانسور، رخ می‌دهد. به تاریخ ۸ می ۲۰۲۴، کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخلفات رسانه‌ای، خبرنگاران افغان را از همکاری با افغانستان اینترنشنال، کانال خبری تلویزیونی مستقر در پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، منع کرد. مقامات طالبان همچنین پخش این شبکه را در اماکن عمومی ممنوع کردند و به خبرنگاران و کارشناسان درباره‌ی همکاری با آن هشدار دادند. یک ماه پیش‌تر در آپریل، کمیسیون رسیدگی به شکایات و تخلفات رسانه‌ای فعالیت دو شبکه‌ی تلویزیونی خصوصی محلی، تلویزیون نور و تلویزیون بریا، را به دلیل «نقض مکرر ارزش‌های ملی و اسلامی» از سوی صاحبان آن‌ها متوقف کرده بود. سخنگوی کمیسیون اعلام کرد که این دو شبکه تا پایان تحقیقات اجازه‌ی فعالیت نخواهند داشت.

۷۷. طالبان نشریات چاپی را سانسور و دسترسی به دیدگاه‌های متنوع و انتشار آن‌ها را محدود می‌کنند. در ماه جنوری، مقامات بالفعل هزاران کتاب را از کتاب‌فروشی‌ها و انتشارات در کابل ضبط کردند، زیرا این کتاب‌ها به دلیل «نقض ارزش‌های ملی و اسلامی» یا ترویج نفاق در میان افغان‌ها ممنوع شده بودند. بسیاری از این کتاب‌ها به زبان‌های دری و پشتو و توسط نویسندگان افغان نوشته یا ترجمه شده بودند و به‌ویژه بحث‌هایی را درباره‌ی طالبان مطرح کرده بودند. کتابخانه‌های عمومی و خصوصی نیز بازرسی می‌شوند تا از عدم نگهداری کتاب‌های ممنوعه اطمینان حاصل شود. گزارشگر ویژه همچنین اطلاعات دریافت کرده است مبنی بر این‌که طالبان از چاپ‌خانه‌ها تعهد کتبی گرفته‌اند که مطالبی برخلاف سیاست‌های آن‌ها چاپ نکنند.

۷۸. حق آزادی تجمع مسالمت‌آمیز نیز محدود شده است. زنان همچنان به اعتراض علیه محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ی طالبان بر زندگی و حقوق‌شان ادامه می‌دهند و به‌طور فزاینده‌ای این اعتراض‌ها را پشت درهای بسته برگزار می‌کنند تا از خطر خشونت و سرکوب دور بمانند. در مارچ ۲۰۲۴، زنان معترض سلسله‌گرفته‌هایی‌ها را در فضاهای بسته به مناسبت روز جهانی زن برگزار کردند و پلاکاردهایی با شعارهایی مثل «حق، عدالت، آزادی» در دست داشتند. در آگست ۲۰۲۴، چند روز پیش از سومین سالگرد بازگشت دوباره‌ی طالبان به قدرت در افغانستان، گروهی از زنان در ولایت تخار به خیابان‌ها آمدند تا علیه سیاست‌های طالبان اعتراض کنند.

۷۹. در یک اقدام مثبت، به تاریخ ۷ آپریل ۲۰۲۴، منیژه صدیقی، مدافع حقوق زنان و یکی از زنان معترض، پس از بیش از شش ماه بازداشت خودسرانه به دلیل فعالیت‌هایش در حمایت از حقوق زنان، آزاد شد. همچنین در ماه آپریل، صدیق‌الله افغان، فعال آموزشی، پس از بازداشت خودسرانه در ارتباط با فعالیت‌هایش در اکتبر ۲۰۲۳، از زندان طالبان آزاد شد. با این حال، همکار او، احمد فهیم عظیمی، پس از محکوم‌شدن به یک سال زندان، همچنان در بازداشت است. گزارشگر ویژه خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط او است.

۸۰. گزارش‌های نگران‌کننده‌ای از سرکوب خشونت‌آمیز معترضان نیز منتشر شده است. بین ماه‌های می و جولای، سلسله اعتراضاتی در بدخشان در واکنش به اقدام مقامات بالفعل به تخریب محصولات زراعتی برگزار شد. معترضان همچنین طالبان را به آزار و ارباب مردم در جریان این کارزار متهم کردند. در اوایل ماه می، دو مرد در درگیری میان نیروهای امنیتی بالفعل و معترضان در ولسوالی‌های درایم و ارگو کشته شدند که این امر باعث

گسترش اعتراضات شد. با آن که مقامات بالفعل اعلام کردند که کمیته‌ای را برای تحقیق در مورد این حادثه تشکیل خواهد داد، اما تاکنون هیچ پیشرفتی گزارش نشده است.

۷. حقوق اقتصادی و اجتماعی و بحران انسانی

۸۱. بحران اقتصادی و انسانی روبه‌وخامت، تمام افغانستان را در بر گرفته است؛ بحرانی که با شرایط اقتصادی وخیم، کاهش کمک‌های بشردوستانه، تأثیرات ماندگار درگیری‌های گذشته و بحران‌های ناشی از تغییرات اقلیمی تشدید شده است. این بحران‌ها به سیاست‌های سیستماتیک و نهادینه‌شده‌ی طالبان در زمینه‌ی ستم و سرکوب جنسیتی مرتبط بوده و بر اثر این سیاست‌ها تشدید شده‌اند.

الف. فقر، بیکاری و حق کار

۸۲. در سال‌های مالی ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، تولید ناخالص داخلی واقعی، ۲۶ فیصد کاهش داشت. در سال ۲۰۲۳، فعالیت‌های اقتصادی دچار رکود شد و کارشناسان اتفاق نظر دارند که این وضعیت در کوتاه‌مدت بهبود نخواهد یافت. با توجه به رشد جمعیت، پیش‌بینی می‌شود که درآمد سرانه کاهش یابد و انتظار هیچ‌گونه پیشرفتی در کاهش فقر، ناامنی غذایی و بیکاری نمی‌رود.

۸۳. شفافیت در زمینه‌ی بودجه و هزینه‌ها وجود ندارد. مقامات بالفعل هیچ اطلاعاتی درباره‌ی مصارف سال ۲۰۲۳ به‌طور عمومی منتشر نکرده‌اند و نیز جزئیاتی درباره‌ی بودجه‌ی ۲۰۲۴/۲۵ شان ارائه نکرده‌اند. بر اساس اطلاعات بانک جهانی، طالبان در سال مالی ۲۰۲۲ حدود نیمی از بودجه را برای هزینه‌های امنیتی اختصاص دادند. منابع غیررسمی حاکی از آن است که همین مقدار از بودجه‌ی سال مالی ۲۰۲۳ نیز به امنیت اختصاص داده شده است.

۸۴. گزارشگر ویژه به مقامات بالفعل یادآور می‌شود که آن‌ها موظفند تا با استفاده‌ی حداکثری از منابع در دسترس‌شان، برای تحقق کامل و تدریجی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم اقدام کنند. مقامات بالفعل دست‌کم موظفند سطح ضروری و حداقلی هر یک از این حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تأمین کنند.

۸۵. در آپریل ۲۰۲۲، مقامات بالفعل ممنوعیت کاملی بر کشت، تولید، پروسس و تجارت تریاک اعلام کردند. از آن زمان، نیروهای امنیتی بالفعل کمپاین سخت‌گیرانه‌ای را برای منصرف کردن دهقان‌ها از کشت کوکنار و انجام عملیات نابودی این محصول آغاز کرده‌اند. نتیجه‌ی این اقدامات، کاهش قابل‌توجهی در کشت تریاک بوده است. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل تخمین می‌زند که میزان کشت تریاک در سال ۲۰۲۳ به‌طور کلی ۹۵ فیصد کاهش یافته است، گرچه ولایت بدخشان یک استثنای قابل‌توجه است. نشانه‌ها حاکی از آن است که این روند کاهش در سال ۲۰۲۴ نیز ادامه خواهد داشت. در همین حال، تولید سایر مواد مخدر غیرقانونی، مانند متامفتامین، همچنان ادامه دارد.

۸۶. گرچه کاهش کشت تریاک پیشرفتی مثبت است، اما این ممنوعیت و اجرای آن تأثیرات اقتصادی عمیق و گسترده‌ای بر دهقانان خرده‌پای کوکنار و خانوارهای روستایی که فاقد راهکارهای بدیل برای معیشت خود هستند، داشته است. از سوی دیگر، هیچ اقدامی در

قبال ذخایر موجود تریاک انجام نشده است؛ ارزش این ذخایر پس از منع کشت تریاک افزایش یافته و در نتیجه، دهقانان زمین‌دار و تاجران که ذخایر قابل‌توجه تریاک دارند، از جمله برخی مقامات ارشد طالبان، از افزایش سود و قدرت خرید برخوردار شده‌اند، درحالی‌که دهقانان خرده‌پا با مشکلات اقتصادی مواجه‌اند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، منع کشت تریاک و پیامدهای اقتصادی آن در برخی مناطق با مقاومت دهقانان و کارگران مزارع روبه‌رو شده است.

۸۷. حق کار زنان همچنان به‌شدت محدود است و مقامات بالفعل حوزه‌ها و نوع کارهایی را که زنان می‌توانند انجام دهند، محدود کرده‌اند. در ادامه‌ی محدودیت‌های فراوان بر کار زنان، در اکتبر ۲۰۲۳ زنان از اشغال مناصب مدیریتی در سازمان‌های غیردولتی منع شدند. در می ۲۰۲۴، طالبان با صدور فرمانی، معاش ماهانه‌ی کارمندان اناث دولت را که مجبور به کار از راه دور شده بودند، قطع نظر از شایستگی‌ها یا تجارب کاری‌شان، به ۵۰۰۰ افغانی (حدود ۷۰ دلار آمریکایی) کاهش دادند. بنا به گزارش برنامه‌ی پیشرفت و توسعه‌ی ملل متحد، نسبت زنان دارای شغل در افغانستان از ۱۱ فیصد در سال ۲۰۲۲ به ۶ فیصد در سال ۲۰۲۳ کاهش یافته است. در نبود درآمد زنان، خطر فرورفتن خانواده‌ها در فقر عمیق‌تر افزایش می‌یابد.

۸۸. گرچه طالبان به زنان اجازه‌ی کار در بخش خصوصی می‌دهند، کارآفرینان زن و کسب‌وکارهای تحت مدیریت زنان با موانع متعددی برای فعالیت‌های تجاری‌شان مواجه هستند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به محدودیت در دسترسی به فضاهای عمومی و بازارها و همچنین شرط همراهی محرم اشاره کرد. سرکوب سیستماتیک جنسیتی همچنین به این معناست که تأمین‌کنندگان مرد، فروشندگان، تاجران بزرگ و عمده‌فروشان اغلب از تعامل با زنان خودداری می‌کنند، زیرا از برخورد انتقام‌جویانه‌ی طالبان هراس دارند.

۸۹. گرچه تلاش‌هایی به‌رهبری نهادهای بین‌المللی برای حمایت از کارآفرینان زن و کسب‌وکارهای متعلق به زنان صورت گرفته است، از جمله از طریق ابتکارات مالی کوچک، زنان در دسترسی به این حمایت‌ها با موانع قابل‌توجهی مواجه‌اند. این چالش‌ها شامل مشکلاتی در فراهم‌کردن اسناد لازم (از جمله اسناد ثبت شرکت)، محدودیت‌های جنسیتی در رفت‌وآمد و نیز نبود محصولات مالی منطبق با شریعت است.

۹۰. گزارشگر ویژه تأکید می‌کند که تلاش‌ها برای حمایت از بهبود اوضاع اقتصادی افغانستان، اگر به تبعیض جنسیتی سیستماتیک و نهادی نپردازد، در درازمدت احتمالاً بی‌اثر خواهد بود.

۹۱. در مواجهه با فقر مزمن و روبه‌رشد و افزایش نیازهای انسانی، بخش‌هایی از مردم مجبور به اتخاذ شیوه‌های مقابله‌ی منفی شده‌اند که شامل قرض‌گرفتن پول، فروش دارایی‌ها و کاهش مصرف غذا می‌شود. با توجه به گزارش‌های مستمر درباره‌ی افزایش کودک‌همسری (به‌ویژه ازدواج اجباری دختران)، کودکان کار، بیگاری خانگی، قاچاق و بهره‌کشی جنسی، گزارشگر ویژه به‌طور خاص نگران تأثیرات این وضعیت بر کودکان است.

۹۲. وجود مکانیسم‌های حمایت اجتماعی برای آسیب‌پذیرترین و در معرض خطرترین افراد ضروری است. در این راستا، گزارشگر ویژه نگران این است که سالمندان، از جمله کارمندان

متقاعد دولت، از آگست ۲۰۲۱ به این سو معاش تقاعدی دریافت نکرده‌اند. پیش از روی کار آمدن طالبان، حدود ۱۵۰۰۰۰ بازنشسته ماهانه معاش تقاعدی دریافت می‌کردند. در آپریل ۲۰۲۴، به دنبال دستوری از سوی رهبر طالبان، وزارت مالیه‌ی این گروه اعلام کرد که سیستم تقاعدی دولتی لغو شده است. تاهنوز مشخص نیست که چه نوع حمایتی - اگر وجود داشته باشد - برای متقاعدین فراهم خواهد شد.

۹۳. با توجه به وضعیت وخیم اقتصادی و انسانی، گزارشگر ویژه خواستار اقدامات حمایتی‌ای شده است که فراتر از کمک‌های بشردوستانه بوده و برای مقامات بالفعل منفعتی نرساند. یکی از منابع مالی که کمتر مورد استفاده قرار گرفته است، «صندوق مردم افغانستان» با دارایی بالغ بر حدود ۳.۸ میلیارد دالر است و همچنین ۳.۵ میلیارد دالر دیگر که به دلیل چالش‌های قانونی داخلی، در ایالات متحده آمریکا در حالت بی‌سرنوشتی است. علی‌رغم پتانسیل این صندوق برای کمک به حل بحران انسانی و اقتصادی حاد در افغانستان، تاکنون هیچ مبلغی از این صندوق برای منافع مردم افغانستان تخصیص نیافته است. عدم استقلال د افغانستان بانک، بانک مرکزی افغانستان، از طالبان و ضعف در اجرای مقررات ضد پول‌شویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم از دلایل تأخیر در پرداخت این مبالغ محسوب می‌شود.

۹۴. گزارشگر ویژه از ادامه‌ی تحریم‌های شورای امنیت علیه برخی از اعضای طالبان و افراد و نهادهای مرتبط به آن حمایت می‌کند و در عین حال، معافیت مهمی را که در قطع‌نامه‌ی ۲۶۶۴ (۲۰۲۲) شورای امنیت ذکر شده است، نیز یادآوری می‌کند؛ این معافیت، ارائه‌ی کمک‌های بشردوستانه و سایر فعالیت‌هایی که در راستای تأمین نیازهای اساسی انسانی انجام می‌شوند را مجاز می‌داند. او بار دیگر به خطر رعایت بیش‌ازحد رژیم‌های تحریم اشاره کرده و تأکید می‌کند که چنین رژیم‌هایی نباید پیامدهای نامطلوب اقتصادی و اجتماعی برای جمعیت غیرنظامی به بار آورند.

۹۵. گزارشگر ویژه، در حالی که از پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی برای مردم افغانستان حمایت می‌کند، تأکید می‌ورزد که این پیشرفت‌ها باید به شیوه‌ای مسئولانه نسبت به حقوق بشر تحقق یابد. با توجه به این که طالبان به‌طور فعال در جستجوی سرمایه‌گذاری‌های خارجی و افزایش حجم تجارت است، نیاز است که کسب‌وکارها «اصول راهنمای سازمان ملل در زمینه‌ی تجارت و حقوق بشر» را به‌کار گیرند. شرکت‌ها مسئولیت دارند که پیش از تعامل با مقامات بالفعل، با انجام ارزیابی‌های دقیق در زمینه‌ی حقوق بشر، از بروز یا تشدید آثار منفی تعامل‌شان بر حقوق بشر جلوگیری کنند یا آن‌ها را کاهش دهند.

ب. بی‌خانمانی، بلایای طبیعی و محیط زیست

۹۶. با آن که بی‌خانمانی‌های ناشی از درگیری، از سال ۲۰۲۱ بدین سو به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است، حدود ۳.۲ میلیون نفر همچنان در داخل افغانستان بی‌خانمان‌اند. علاوه بر این، ۵.۸ میلیون نفر دیگر به‌عنوان پناهجو در کشورهای همسایه، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران و پاکستان و تا حدی کمتر در تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و همچنین ترکیه ثبت شده‌اند.

۹۷. از سپتامبر ۲۰۲۳، تعداد عودت‌کنندگان به افغانستان به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. بین سپتامبر ۲۰۲۳ تا جولای ۲۰۲۴، پس از آن‌که دولت پاکستان اجرای «طرح بازگرداندن خارجی‌های غیرقانونی» را آغاز کرد، بیش از ۶۴۵ هزار نفر از این کشور به افغانستان بازگشتند. طبق این طرح، به افرادی که اسناد اقامتی معتبر نداشتند - که بخش قابل‌توجهی از آن‌ها افغان بودند - ۲۸ روز مهلت داده شد تا به‌طور «داوطلبانه» کشور را ترک کنند، وگرنه اخراج خواهند شد. گزارشگر ویژه از تصمیم اخیر دولت پاکستان برای تمدید اعتبار کارت‌های ثبت نام برای یک سال دیگر، تا ۳۰ جون ۲۰۲۵، استقبال کرده است. مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران نیز اعلام کرده‌اند که اتباع خارجی فاقد اسناد معتبر باید تا پایان سال ۲۰۲۴ کشور را ترک کنند، که این اقدام نیز به‌طور نامتناسبی بر افغان‌ها تأثیر خواهد گذاشت. گزارشگر ویژه به همه دولت‌ها یادآوری می‌کند که بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، مؤلف به رعایت اصل عدم بازگرداندن اجباری پناهنجویان (نارفلیمان) هستند.
۹۸. کسانی که به افغانستان باز می‌گردند، با چالش‌های متعددی، از جمله کمبود سرپناه و مسکن، فرصت‌های محدود برای امرار معاش و دسترسی محدود به خدمات اولیه، مانند تعلیم و تربیت و صحت، مواجه‌اند. با این حال، گزارشگر ویژه تلاش‌های مقامات بالفعل را که با حمایت نهادهای بشردوستانه‌ی بین‌المللی برای کمک به عودت‌کنندگان از پاکستان انجام می‌شود، تحسین می‌کند.
۹۹. گزارش‌هایی از تخلیه‌ی اجباری به‌طور مستمر منتشر می‌شود که باعث آوارگی بیشتر شده است. گزارشگر ویژه اطلاعات مؤثقی درباره‌ی تخریب و نابودی املاک مسکونی و تجاری در کابل بین جنوری و جون ۲۰۲۴ دریافت کرده است، به‌طوری که گفته می‌شود ساکنان این املاک مجبور به ترک آن‌ها شده‌اند. به نظر می‌رسد این تخریب‌ها، سکونت‌گاه‌های خارج از نقشه را هدف قرار داده‌اند که ساکنان‌شان شامل خانواده‌ها و افراد آسیب‌پذیر بودند که قبلاً از ولایات دیگر به کابل آورده شده بودند. مشخص نیست که آیا بدیل‌های حمایتی یا جبرانی برای این افراد در نظر گرفته شده است یا نه.
۱۰۰. گزارشگر ویژه همچنین نگران تأثیرات اقتصادی و انسانی بلایای طبیعی است. افغانستان به‌طور منظم دچار بلایای طبیعی، از جمله سیل و زلزله، می‌شود که منجر به آوارگی جمعیت، تخریب خانه‌ها و املاک و آسیب به محیط‌زیست طبیعی شده است. در ماه می، سیل شدید ناشی از باران‌های سنگین باعث تخریب گسترده در ولایت‌های بدخشان، بغلان، فاریاب، غور و تخار شد که به مرگ و آوارگی مردم عادی انجامید. هزاران خانه و کسب‌وکار ویران شدند یا آسیب دیدند و زیرساخت‌های حیاتی نیز دچار خسارت شدند. این خسارت‌ها و از دست‌رفتن منابع معیشتی، فشارهای اقتصادی بیشتری را بر اقشاری که از قبل با مشکلات فراوان دست‌وپنجه نرم می‌کردند، تحمیل کرده است.
۱۰۱. این وضعیت خطراتی را که افغانستان در بحبوحه‌ی بحران فزاینده‌ی اقلیمی با آن روبه‌رو است، برجسته می‌کند. گزارشگر ویژه تأکید می‌کند که افغانستان یکی از کشورهای بسیار آسیب‌پذیر در برابر تغییرات اقلیمی است و نیازمند کمک برای مقابله و انطباق با تأثیرات آن است.
۱۰۲. طی بیش از چهار دهه منازعه در افغانستان، تمام طرف‌های جنگ از روش‌ها و سلاح‌هایی استفاده کرده‌اند که آسیب‌های زیست‌محیطی عظیمی به بار آورده و افغانستان را به

مکانی بسیار کم قابل سکونت، با پیامدهای صحتی برای کودکان و نسل‌های آینده، تبدیل کرده است. گزارشگر ویژه بر نیاز به پیشگیری، کاهش و جبران آسیب‌های زیست‌محیطی قبل، حین و بعد از درگیری‌های مسلحانه تأکید می‌کند. او از طرف‌های درگیر می‌خواهد که تأمین مالی اقدامات جبرانی را بر عهده بگیرند تا نسل‌های کنونی و آینده در افغانستان فرصتی برای زندگی و رشد سالم و باعزت در سرزمین خود را داشته باشند.

ج. بحران انسانی و پاسخ به آن

۱۰۳. در سال ۲۰۲۴، تخمین زده می‌شود که ۲۳.۷ میلیون نفر -بیش از نیمی از جمعیت- به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. این وضعیت با وخامت زیرساخت‌های غیرنظامی، از جمله شفاخانه‌ها و مراکز صحتی، سیستم‌های آب و فاضلاب و شبکه‌های حمل و نقل تشدید شده است. با وجود نیازهای گسترده، تا ماه می ۲۰۲۴ تنها به ۲۸ فیصد از کسانی که نیازمند کمک بشردوستانه بودند، رسیدگی شده است. این امر عمدتاً به دلیل کمبود قابل توجه بودجه‌ی بشردوستانه است. تا ماه آگست ۲۰۲۴، تنها ۲۵ فیصد از بودجه‌ی موردنیاز برای کمک‌های بشردوستانه تأمین شده بود. نتیجه این است که نهادهای بشردوستانه مجبور شده‌اند حمایت از آسیب‌پذیرترین افراد را در اولویت قرار دهند و در برخی موارد، ناچار به تعلیق یا حتی تعطیلی پروژه‌های بشردوستانه شده‌اند.

۱۰۴. کمک‌های بشردوستانه که از قبل هم دچار فشارها و محدودیت‌های زیادی بود، همچنین با محدودیت‌هایی در دسترسی و اجرای فعالیت‌های بشردوستانه، به‌ویژه موانع بوروکراتیک و اداری اعمال شده توسط مقامات بالفعل و نیروهای مسلح آن‌ها، مواجه‌اند. گرچه کاهش قابل توجه درگیری‌ها از سال ۲۰۲۱ منجر به افزایش دسترسی بشردوستانه به تمامی نقاط کشور شده است، سازمان‌های کمک‌رسانی همچنان با مداخلات در اجرای فعالیت‌های خود روبه‌رو هستند. این مداخلات شامل درخواست اطلاعات حساس کارکنان، تلاش برای دخالت در انتخاب دریافت‌کنندگان کمک و تأخیر در ثبت‌نام و تأیید اسناد است.

۱۰۵. یکی دیگر از موانع مهم برای ارائه‌ی کامل و مؤثر کمک‌های بشردوستانه، ادامه‌ی ممنوعیت فعالیت کارکنان بشردوستانه‌ی زن و اجرای این ممنوعیت است. سازمان‌های بشردوستانه گزارش می‌دهند که محدودیت‌های مربوط به مشارکت زنان، از جمله محدودیت در حضور زنان در محل‌های توزیع، مشارکت آن‌ها در ارزیابی‌ها و بازداشت و تهدیدهایی که علیه کارکنان زن انجام می‌شود، بر فعالیت‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد. ادامه‌ی این ممنوعیت به‌طور جدی بر توانایی نهادهای بشردوستانه برای رسیدگی به نیازهای زنان و دختران تأثیر منفی گذاشته و ارائه‌ی برنامه‌های مقابله با خشونت‌های جنسیتی، از جمله برای نجات‌یافتگان از خشونت‌های جنسی و جنسیتی را به‌شدت مختل کرده است.

۱۰۶. همان‌گونه که گفته شد، گزارشگر ویژه همچنان نگران فراوانی مین‌های زمینی و مواد منفجره‌ی باقی‌مانده از جنگ‌ها در افغانستان است. تخمین می‌شود که حدود ۱.۲ میلیون مترمربع از زمین‌ها با مین‌ها، دستگاه‌های انفجاری دست‌ساز و مواد منفجره‌ی باقی‌مانده از جنگ‌ها آلوده است. وجود مواد منفجره‌ی باقی‌مانده از جنگ‌ها دسترسی به مراکز تعلیمی، مراکز صحتی و منابع معیشتی را تحت تأثیر قرار داده و برای غیرنظامیانی که پس

از آوارگی به خانه‌ها و جوامع‌شان بازمی‌گردند، و همچنین کارکنان نهادهای بشردوستانه، تهدیدی جدی محسوب می‌شود. کمبود مراکز صحتی، به‌ویژه در مناطق روستایی و دورافتاده، دریافت مراقبت‌های صحتی به‌موقع برای مجروحان را دشوار کرده است. نهادهای سازمان ملل و سازمان‌های بشردوستانه به کارهای مهمی در زمینه‌ی پاک‌سازی مین‌ها، آموزش کاهش خطر و ارائه‌ی کمک به بازماندگان ادامه می‌دهند. با این حال، بحران بودجه‌ی بشردوستانه به‌شدت بر این فعالیت‌ها تأثیر گذاشته و برخی پروژه‌ها مجبور به توقف شده‌اند، درحالی‌که سایر پروژه‌ها نیز در سال ۲۰۲۴ در معرض خطر تعطیلی قرار دارند.

VI. حقوق فرهنگی

۱۰۷. میراث تاریخی، هنری و فرهنگی غنی افغانستان تحت حاکمیت طالبان همچنان در حال فرسایش است. جشن‌های سنتی مانند نوروز (اولین روز تقویم خورشیدی) و شب یلدا (که در انقلاب زمستانی جشن گرفته می‌شود)، که هر دو به‌عنوان میراث فرهنگی ناملموس در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد ثبت شده‌اند، اکنون طبق قانون طالبان ممنوع شده‌اند. به‌جای این‌که مردم بتوانند برای جشن گرفتن این مناسبت‌ها گرد هم آیند، مجبورند آن‌ها را به‌صورت خصوصی یا با نگرانی‌های شدید امنیتی برگزار کنند، که این امر احساس طردشدگی و تبعیض را تقویت می‌کند.

۱۰۸. طالبان ممنوعیت‌شان بر گوش‌دادن به موسیقی یا نواختن موسیقی را که آن را «غیراسلامی» می‌دانند، همچنان حفظ کرده‌اند. از نزد افرادی که آلات موسیقی یافت شوند، با خشونت، بدرفتاری و آزار و اذیت مواجه می‌شوند. در جولای ۲۰۲۴، ادارات امر به معروف و نهی از منکر طالبان در ولایت‌های بدخشان و سرپل تأیید کردند که تعداد زیادی از آلات موسیقی را که تصاویرشان توسط گزارشگر ویژه دیده شده‌اند، نابود کرده‌اند؛ بسیاری از این آلات از تالارهای عروسی، هتل‌ها، رستوران‌ها و خانه‌های مردم جمع‌آوری شده بودند.

ورزش

۱۰۹. در سال جاری که سی‌وسومین سال المپیاد است، زنان و دختران در افغانستان همچنان از حق شرکت در ورزش محروم مانده‌اند. طالبان آن‌ها را از ورود به پارک‌ها و ورزش‌گاه‌ها منع کرده و شرط داشتن محرم نیز انجام ورزش در فضای باز را بسیار دشوار کرده است. منع اشتراک زنان و دختران در ورزش، علاوه بر حذف آن‌ها از بخش مهمی از زندگی اجتماعی و فرهنگی، تأثیرات جدی و منفی بر صحت جسمی و روانی و بهزیستی آنان دارد.

۱۱۰. با وجود این ممنوعیت، زنان ورزشکار افغان که در تبعید زندگی می‌کنند توانستند، یا به‌عنوان عضو تیم رسمی افغانستان و یا به‌عنوان عضو تیم پناهندگان، در بازی‌های المپیک و پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس شرکت کنند. تیم افغانستان شامل سه زن و سه مرد افغان بود؛ اما مقامات بالفعل اعضای زن تیم را به‌رسمیت نشناختند.

۱۱۱. زنان ورزشکار افغان که از کشور فرار کرده‌اند، از کمبود حمایت از سوی نهادهای ورزشی ملی و بین‌المللی انتقاد کرده‌اند. گزارشگر ویژه نگران این است که برخی از نهادهای ورزشی ظاهراً قادر یا مایل به انجام تعهدات سازمانی خود در خصوص مشارکت زنان و دختران نیستند و از نهادهای ورزشی ملی و بین‌المللی خواسته است تا با ورزشکاران زن افغان مشورت کرده و در حمایت از آنها قاطعانه اقدام کنند.

VII. اقدامات بین‌المللی

۱۱۲. در دسامبر ۲۰۲۳، شورای امنیت سازمان ملل قطع‌نامه‌ی ۲۷۲۱ (۲۰۲۳) را تصویب کرد که در آن بر چالش‌های حقوق بشری و بشردوستانه در افغانستان، به‌ویژه حقوق زنان و دختران، نقش حیاتی زنان در جامعه‌ی افغانستان و اهمیت مشارکت کامل، برابر، معنادار و ایمن آنها تأکید کرد. در این قطع‌نامه از کشورهای عضو و نهادهای ذینفع و مرتبط خواسته شده بود تا ارزیابی مستقل سازمان ملل از وضعیت افغانستان و اجرای توصیه‌های آن، به‌ویژه پیشنهاد افزایش تعامل بین‌المللی به شیوه‌ای هماهنگ، منسجم و ساختاریافته، را در نظر بگیرند. قطع‌نامه همچنین حاوی این درخواست بود که دبیرکل، در مشورت با دیگران، فرستاده‌ی ویژه‌ای را برای افغانستان منصوب کند. تاکنون هیچ فرستاده‌ی ویژه‌ای منصوب نشده است.

۱۱۳. دو نشست بزرگ توسط سازمان ملل در ۱۸ و ۱۹ فبروری و ۳۰ جون و ۱ جولای ۲۰۲۴ در دوحه، پایتخت قطر، برای تعیین مسیر سیاسی آینده‌ی افغانستان برگزار شد. نشست اول با حضور فرستاده‌های ویژه‌ی بین‌المللی، مقامات سازمان ملل و نمایندگان جامعه‌ی مدنی برگزار شد و طالبان در آن شرکت نکردند. با این حال، آنها نماینده‌هایی را به نشست دوم در ماه جون و جولای، که بر فعالیت‌های بخش خصوصی و مقابله با مواد مخدر تمرکز داشت، فرستادند. نشست دوم به‌طور گسترده‌ای به‌دلیل گنجانده‌نشدن حقوق بشر، به‌ویژه حقوق زنان و دختران، در آجدای رسمی مورد انتقاد قرار گرفت. برعلاوه، زنان افغان و افغان‌های غیرطالب نیز از نشست رسمی کنار گذاشته شدند، با این حال، به تاریخ ۲ جولای، تعداد اندکی از آنها برای تبادل نظر فشرده با فرستاده‌های ویژه دعوت شدند.

VIII. جمع‌بندی

۱۱۴. اکنون بیش از سه سال از تصرف قدرت توسط طالبان در افغانستان می‌گذرد. از آن زمان، علی‌رغم ادعاهای اولیه مبنی بر احترام به معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، مقامات بالفعل به تدریج سرکوب و نقض حقوق بشر را افزایش داده‌اند. این امر به‌ویژه در سیاست‌های سرکوب و آزار زنان و دختران مشهود است که به‌طور فعال اعمال و تثبیت شده‌اند. بیش از پیش مشخص است که مقامات بالفعل تمایل اندکی به بازگشایی مکاتب به روی دختران بالاتر از صنف ششم یا دانشگاه‌ها برای زنان دارند یا اصلاً قصد چنین کاری را ندارند. ناتوانی در پاسخ‌گو کردن مقامات بالفعل نه تنها موجب تقویت مصئونیت از مجازات خواهد شد، بلکه احتمالاً آنها را جسورتر خواهد کرد.

۱۱۵. تاکنون، جامعه‌ی بین‌المللی نتوانسته است راه‌های مؤثری برای مقابله با رفتار طالبان یا تدوین یک استراتژی منسجم و هماهنگ برای بهبود وضعیت پیدا کند. این ناکامی‌ها پیامدهای ویرانگری برای زندگی مردم افغانستان، که از آسیب‌های عمیق و روزافزون رنج

می‌برند، داشته است. کشورهای عضو نیز در انجام تعهدات و الزامات حقوق بشری خود، از جمله در چارچوب برنامه‌ی زنان و صلح و امنیت، کوتاهی کرده‌اند.

۱۱۶. گزارشگر ویژه بارها بر اهمیت یک رویکرد اصولی و مبتنی بر حقوق بشر برای تعامل با افغانستان تأکید کرده است. هرگونه عادی‌سازی روابط با مقامات بالفعل باید بر اساس بهبودهای محسوس، قابل‌اندازه‌گیری و مستقلاً تأییدشده در زمینه‌ی حقوق بشر باشد. در صورت تحقق پیشرفت‌ها، باید این موارد مورد تقدیر و حمایت قرار گیرند. کشورهای عضو همچنین باید در صورت عدم بهبود معنادار وضعیت حقوق بشر، به‌ویژه برای زنان و دختران، اقدامات جدی اتخاذ کنند.

۱۱۷. در صورت عدم برخورد با نظام نهادینه‌شده‌ی سرکوب و آزار جنسیتی طالبان، این نظام پیامدهای عمیق و چندنسلی خواهد داشت و اثرات آن گسترده و ماندگار خواهد بود. این نظام همچنین ممکن است تهدیدات امنیتی‌ای را در آینده خلق کند که دامنه‌ی آن فراتر از مرزهای افغانستان برود. سرکوب جنسیتی طالبان در جهان نظیر ندارد و عادی‌سازی طالبان و سیاست‌های جنسیت‌ستیزانه‌ی آنان پیامدهای جهانی نیز خواهد داشت. افزون بر این، این نظام احتمالاً عقب‌گرد جهانی در زمینه‌ی حقوق زنان و دختران را تشدید کرده، سرمشق سایر رژیم‌ها شده و به افراد زن‌ستیز در جهان جسارت خواهد بخشید.

۱۱۸. امکان صلح پایدار در افغانستان و با همسایگان آن، با یک رویکرد جامع و مبتنی بر حقوق بشر افزایش خواهد یافت و با حکومتی که به‌طور کامل به حقوق بشر احترام نگذارد، تضعیف می‌شود. ضروری است که هر فرایند سیاسی مربوط به آینده‌ی افغانستان، حقوق بشر را در مرکز توجه خود قرار دهد. عدم انجام این کار نه‌تنها نامعقول و ناپذیرفتنی خواهد بود، بلکه همچنین می‌تواند امکان دستیابی به افغانستانی باثبات، همه‌شمول و شکوفا را به خطر اندازد.

IX. پیشنهادها

۱۱۹. گزارشگر ویژه بار دیگر بر توصیه‌های ارائه‌شده در گزارش‌های پیشین‌اش تأکید می‌کند؛ توصیه‌هایی که بسیاری از آن‌ها یا اجرا نشده‌اند و یا تنها به‌صورت جزئی عملی شده‌اند.

۱۲۰. گزارشگر ویژه از مقامات بالفعل می‌خواهد که:

أ. مسئولیت‌های خود را مطابق معاهدات بین‌المللی حقوق بشر که افغانستان آن‌ها را تصویب کرده است، انجام دهند، از جمله با لغو سیاست‌ها و رویه‌هایی که ناقض این تعهدات بین‌المللی‌اند؛

ب. گام‌های فوری برای برچیدن نظام سرکوب جنسیتی سازمان‌یافته‌ی خود بردارند که زنان و دختران را از حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان محروم می‌کند، از جمله با:

(۱) لغو فوری تمامی قوانین، احکام و فرامین تبعیض‌آمیز، از جمله قانون امر به معروف و نهی از منکر؛

(۲) فراهم‌سازی مجدد دسترسی برابر، فراگیر و عادلانه به آموزش باکیفیت و جامع برای زنان و دختران در تمام سطوح و در تمامی رشته‌ها؛

(۳) رفع محدودیت‌ها بر آزادی رفت‌وآمد زنان و دختران؛

۴) اطمینان از دسترسی زنان و دختران به خدمات صحتی باکیفیت، از جمله خدمات صحتی جسمی، روانی و باروری؛

۵) احیای فوری حق کار برای زنان در تمام بخش‌ها، از جمله در سازمان ملل متحد و نهادهای بشردوستانه؛

ج. اقداماتی مؤثر برای حفاظت از تمامی کودکان در برابر اعمال زیان‌بار، از جمله نقض‌های جدی علیه کودکان در درگیری‌های مسلحانه، خشونت و بهره‌کشی جنسی، ازدواج اجباری، برده‌سازی و قاچاق روی دست گیرند؛

د. همه‌شمولی را ترویج کنند و از تبعیض علیه افرادی با پیشینه‌های قومی، مذهبی و سایر اقلیت‌ها یا گروه‌های به حاشیه‌رانده شده اجتناب کنند، تدابیر مؤثر برای حفاظت از امنیت آن‌ها اتخاذ کنند و درباره‌ی عاملان خشونت علیه آنان تحقیق و آن‌ها را به پنجه‌ی قانون بسپارند؛

ه. مجازات اعدام و تنبیه بدنی و سایر تنبیه‌هایی که شکنجه یا رفتار غیرانسانی محسوب می‌شوند، را فوراً متوقف کنند؛

و. از بازداشت و حبس‌های خودسرانه، ناپدیدشدن‌های اجباری، اعدام‌های فراقانونی، شکنجه یا بدرفتاری مقامات یا کسانی که به نیابت از آن‌ها مرتکب چنین اعمال می‌شوند، جلوگیری کرده و تمام قضایای این‌چنینی را در اسرع وقت و به‌طور کامل بررسی کنند و عاملان را طبق استانداردهای بین‌المللی و پس از محاکمه‌ی منصفانه مجازات کنند؛

ز. تمامی افرادی را که به دلیل استفاده از حقوق بشری‌شان بازداشت شده‌اند، فوراً و بدون قیدوشرط آزاد کنند، حقوق بازداشت‌شدگان را تضمین کرده و اطمینان حاصل کنند که محاکمات مطابق استانداردهای بین‌المللی برگزار شوند؛

ح. از ارائه‌ی خدمات اساسی به تمامی افغان‌ها، با توجه ویژه به گروه‌های محروم و به حاشیه‌رانده شده، از جمله زنان، کودکان، افراد متعلق به اقلیت‌ها یا گروه‌های به حاشیه‌رانده شده، سالمندان و افراد دارای معلولیت، اطمینان حاصل کنند؛

ط. تصمیم منع ورود گزارشگر ویژه به کشور را لغو کرده و با گزارشگر ویژه و سایر مکانیسم‌های حقوق بشری سازمان ملل همکاری سازنده داشته و بازدید از کشور را برای آن‌ها تسهیل کنند.

۱۲۱. گزارشگر ویژه به کشورهای عضو سازمان ملل توصیه می‌کند:

أ. فوراً یک طرح جامع عملیاتی را برای رسیدگی به بحران حقوق بشری، انسانی و سیاسی در افغانستان تصویب کنند. این طرح باید شامل معیارهای حقوق بشری مشخص برای طالبان، جدول زمانی برای اجرا و نهادهای مسئول نظارت و گزارش‌دهی درباره‌ی پیشرفت باشد. تلاش‌هایی ویژه برای مشوره با زنان، کودکان و جوانان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و سایر اقلیت‌ها یا گروه‌های به حاشیه‌رانده شده صورت گیرد؛

ب. اطمینان حاصل کنند که هرگونه عادی‌سازی تعامل با مقامات بالفعل در افغانستان بر اساس بهبودهای قابل مشاهده، قابل اندازه‌گیری و مستقلاً تأیید شده در زمینه‌ی

حقوق بشر، به‌ویژه برای زنان و دختران باشد؛ بهبودهایی که بر اساس معیارهای مشخص و شناخته‌شده‌ی حقوق بشری ارزیابی شده باشد؛

ج. مشارکت مردم‌گزين، برابر، معنادار و امن زنان افغان را در تمامی مذاکرات مربوط به آینده‌ی کشور، از جمله در زمان تعیین سیاست‌های جامعه‌ی بین‌المللی نسبت به مقامات بالفعل تضمین کنند؛

د. اقدامات معنادار حمایتی برای حفظ بحران افغانستان در آجندای بین‌المللی انجام دهند، به‌ویژه در مجامع و نهادهای بین‌المللی و چندجانبه که به زنان صلح و امنیت و کودکان در درگیری‌های مسلحانه اختصاص دارند؛

ه. تأمین مالی پایدار برای بحران انسانی و حقوق بشری در افغانستان، از جمله با افزایش کمک‌های مالی به سازمان‌های جامعه‌ی مدنی افغانستان، به‌ویژه سازمان‌های تحت رهبری زنان و مدافع حقوق زنان را تضمین کنند؛

و. دارایی‌های متعلق به مردم افغانستان را با رعایت اقدامات حفاظتی دقیق آزاد کنند تا برای بانکداری مرکزی و اقدامات بشردوستانه‌ای که به نفع تمامی مردم افغانستان است، استفاده شود؛

ز. راهکارهایی را برای پاسخ‌گویی نجات‌یافته‌محور شناسایی و تقویت کنند. برخی از راهکارهای پیشنهادی عبارت‌اند از:

۱) حصول اطمینان از این‌که دادگاه کیفری بین‌المللی منابع و همکاری‌های لازم را برای تحقیق و تعقیب عاملان جرایم بین‌المللی در اختیار دارد؛

۲) حمایت از تلاش‌ها برای کشاندن افغانستان به دیوان بین‌المللی دادگستری به‌دلیل نقض معاهدات بین‌المللی حقوق بشر که افغانستان عضو آن‌ها است؛

۳) حمایت از جرم‌انگاری «آپارتاید جنسیتی» به‌عنوان یک جنایت علیه بشریت؛

ح. تمامی راه‌های اعمال فشار بر طالبان، از جمله وضع تحریم‌های هدفمند بیشتر، را بررسی کنند.

۱۲۲. گزارشگر ویژه پیشنهاد می‌کند که سازمان ملل متحد یک استراتژی مشترک، اصولی، متمرکز بر حقوق بشر و پاسخگو به جنسیت را اتخاذ و تضمین کند تا تمامی فعالیت‌ها و اقدامات سازمان ملل متحد در ارتباط با افغانستان را هدایت کرده و اطمینان حاصل شود که تمامی تعاملات سازمان ملل با مقامات بالفعل، حقوق بشر را در نظر گرفته و به آن توجه می‌کند.